

بیانات در هشتمین اجلاس سران حبش عدم تعهد / ۱۳۶۵/۰۶/۱۲

اگر جمهوری اسلامی ایران راهی برای جبران میلیاردها خسارت جنگ بیابد، جان از دست رفته بهترین فرزندان کشور ما و فرصتهای از دست رفته سازندگی در بهترین سالهای انقلاب چگونه قابل جبران خواهد بود؟ برخی میگویند: تنها یک اشتباه محاسبه درباره نیروهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران بود که عراق را به شروع جنگ تشویق کرد، و اکنون که جمهوری اسلامی ایران قدرت خود را نشان داده، این اشتباه محاسبه دیگر صورت نخواهد گرفت. این تحلیل به یک شوخی بیشتر شبیه است؛ زیرا آنچه برای امنیت ملی هر کشور اهمیت دارد، وجود استعداد تجاوزگری و سلطه‌جویی در آن سوی مرزهاست، و گر نه اشتباه محاسبه در هر مکان و هر لحظه امکان وقوع دارد. از زمانی که رژیم عراق با یک کودتا روی کارآمده تاکنون نه تنها جمهوری اسلامی ایران بلکه اکثر کشورهای منطقه، لحظه‌ای از تجاوزات آن در امان نبوده‌اند.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه / ۱۳۶۹/۰۶/۲۹

بدیختی بشر آن وقتی است که همه‌ی حقیقت را در مشاهدات و محسوسات خودش محدود و محصور کند؛ مثل مادبین و بسیاری از غیرمادبین غافل. این فرد غافل، مادی هم نیست، معتقد به خداست؛ اما با این‌که به خدا اعتقاد دارد، ولی شعور ندارد که این اعتقاد، با اعتقاد به اصل غیب و فعل و انفعالات و علل و معلول غیبی ملازم است. اگر ما معتقد به غیب نباشیم، یا درک درستی از آن نداشته باشیم، نتیجه این میشود که محاسبات مادی میکنیم، به معادلات و میادلات مخلوق انسان، صددرصد دل میندیم و اتکا میکنیم؛ همین‌هایی که مبین صد هشتاد یا صد پنجاهش، غلط در می‌آید. آن کس که همه‌ی جوانب را ملاحظه میکند، بعد مثلا به طبع و یا به مرزهای غربی و جنوبی ماحمله میکند، کجای کارش اشکال دارد؟ آیا در محاسبات مادی، یک نقطه‌ی غلط هست؟ نه، محاسبات مادی، تا آنجا که درک فعل و انفعالات مادی به انسان میدهد، درست است. روی پول و آدم و ابزار و سیاست و تبلیغ و حمایتها حساب کردن، اجزای یک محاسبه‌ی مادی است. همه نوع محاسبه را کردند، ولی آخر سر مبینند که در مشتشان هیچ چیز نیست. این، حاکی از آن است که یک سلسله محاسبات و علل و عوامل و فعل و انفعالات هست که حواس انسان و در اغلب موارد، عقل مادی انسان را به آنها راه نیست؛ آنها را دید دیگری میتواند ببیند.

بیانات در دیدار میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم بزرگداشت دهه‌ی فجر / ۱۳۶۹/۱۱/۱۷

امروز در خلیج فارس، تجربه‌ی دیگری است که نشان داده می‌شود. معلوم گردید، آنطور که ادعا می‌شد و آمریکا خیال می‌کرد و ادعا و محاسبه می‌نمود که مثل بسیاری از مواقع، این محاسبه هم غلط از آب در آمد نتوانست طرف چند روز، کارش را از پیش ببرد. چند ماه انتظار و الآن هم هفته‌ها جنگ، معلوم می‌شود قدرت این‌ها، آن نیست که تبلیغ و وانمود می‌کنند؛ آن نیست که می‌خواهند ملتها آن را باور کنند. این‌ها، ضعیف‌تر از این حرف‌ها هستند. بنابراین، همه‌ی ملتها و دولتها و کشورها، در آفریقا و آسیا و در همه‌ی مناطق دیگر عالم، حتی آنجایی که مسلمانان در اقلیت هستند، می‌توانند در مقابل آمریکا بایستند و از تحمیلها شانه خالی کنند.

بیانات در جلسه بیست و هشتم تفسیر سوره بقره / ۱۳۷۱/۰۳/۰۶

الان در کشور خودمان بسیاری از حقایق هست که خیلی از روشنفکران نمیفهمند فرضا امکان ایستادگی در مقابل قدرتهای مستکبر و مسلط امروز عالم را تحلیل‌گران سیاسی نمیفهمند و میگویند مگر میشود در مقابل آمریکا ایستاد؟! شما اگر به تحلیل‌های تحلیل‌گران سیاسی نگاه کنید هرچا که باشند وقتی محاسبه میکنند، میگویند دودوتا چهارتاست، آنها پول دارند، تکنولوژی دارند، پیشرفت‌های علمی دارند، مغزهای فعال دارند، قدرت تبلیغاتی دارند، قدرت سیاسی دارند، قدرت لشکرکشی دارند، مبینند یا کوبت چه کردند؟ با عراق چه کردند؟ و در جاهای دیگر چه کردند؟ چگونه میشود در مقابل آمریکا ایستاد؟ به هر حال اگر واقعا کار دست تحلیل‌گرها و حسابگرهای روشنفکر و متخصصین و کارشناسان باشد همه باید بروند در مقابل آمریکا سرخم کنند و بگویند: هر چه شما میفرمائید همان است، اما توده‌ی مردم میگویند چرا نمیشود ایستاد؟ یعنی یک احساس روشنی دارند و اگر چه آن احساس علمی و تحلیلی که مخصوص روشنفکران است را ندارند اما احساس روشن غیرعملی و ادراکی دارند و میگویند چرا نمیشود ایستاد، بعد هم در عمل که نگاه میکنیم مبینیم واقعا میشود ایستاد! چون وقتی یک ملتی تصمیم گرفت میبایستد. امروز هم دنیا استکباری در یک تحلیل نهایی، یک روشنفکر متخصصی که احساسات صحیح و دقیق داشته باشد و مسائل را بدون زاویه‌های دید مخصوص دنبال بکند، بالاخره به همین نتیجه میرسد و مبینند که تمام هم و غم استکبار دنیا این است که عقاید توده‌ها را برگرداند به آن طرفی که خودشان میخواهند، چون اگر عقاید توده‌ها در آن طرفی که آنها میخواهند قرار نداشته باشد، واقعا نمیشود با اینها مقابله کرد. ولذا با توده‌های مردم چه باید کرد؟ آیا میشود آنها را کشت؟ چنین چیزی امکان پذیر نیست.

بیانات در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی / ۱۳۷۱/۰۵/۲۱

در دوران اول انقلاب، شما ناگهان دیدید که مردم ما در ظرف مدت کوتاهی، تغییرات اساسی در خلیقات خودشان احساس کردند: گذشت در بین مردم زیاد شد؛ آز و طمع کم شد؛ همکاری زیاد شد؛ گرایش به دین زیاد شد؛ اسراف کم شد؛ قناعت زیاد شد فرهنگ این‌هاست؛ فرهنگ اسلامی این‌هاست جوان به فکر فعالیت و کار افتاد، دنبال تلاش رفت؛ خیلی‌ها که به شهرنشینی عادت کرده بودند، به روستاها رفتند؛ گفتند: «بگذار کار کنیم. بگذار تولید کنیم.»؛ شبه‌کاری که به صورت گیاه هرزی در زندگی اقتصادی مردم رشد پیدا کرده بود کم شد. این، مربوط به یکی دو سال اول انقلاب بود. این، مربوط به همان زمانی است که تلاش روز به روز دشمن برای پاشیدن بذر اخلاقیات منفی متوقف شده بود و یک گرایش و یک توجه به اسلام پیش آمده بود. مجدداً آن فرهنگ و اخلاق و آداب و خلیقات اسلامی که در خمیره‌ی مردم ما بود، در آنان زنده شد. البته عمیق نبود. عمق، آن زمانی پیدا می‌کند که روی موضوع، چند سالی کار شود. این فرصت پیش نیامد و آن تهاجم، بتدریج و به مرور، از سرگرفته شد. تهاجم، در اواسط دوران جنگ به وسیله‌ی ابزارهای تبلیغی و گفتارهای غلط و کج‌اندیشانه شروع شد و آن ته‌نشین‌ها و رسوب‌های ذهنی و روحی خود ما مردم هم در تاثیرگذاری‌اش موثر بود. اما باز حرارت جنگ، مانع بود، تا جنگ تمام شد. بعد از جنگ، این جبهه‌ی جدید، به شکل جدی مشغول کار شد. دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی‌شود از بین برد. محاسبه‌ی قبلی، غلط از آب درآمده بود. دیدند با محاصره‌ی اقتصادی هم نمی‌شود. وقتی ملتی را محاصره‌ی اقتصادی کنند، اگر آن ملت یک ملت قانع، صبور، متکی به نفس و متوکل علی الله باشد، مگر شکست خواهد خورد؟! هرگز شکست نمی‌خورد! این را، هم ما در گذرگاههای تاریخی در گذشته تجربه کردیم و هم ملتهای دیگر تجربه کرده‌اند. مخصوص ما نیست. دیدند با محاصره‌ی اقتصادی هم نمی‌شود. فهمیدند باید عقبه‌ی ما را بمباران کنند. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، این طور است که وقتی یک گروه نظامی، در جلو با دشمن مشغول جنگ است، غذایش از عقب می‌آید، نیروی تازه‌نفس از عقب می‌آید، ملزومات از عقب می‌آید، نامه‌ی دوستانه از پدر و مادر و یاران از عقب می‌آید. عقبه تا سالم است، این نیروی در خط مقدم، می‌تواند بجنگد. اگر دشمن آمد عقبه‌ها را بمباران کرد؛ غذا از بین رفت، ملزومات از بین رفت، نیروی تازه‌نفس از بین رفت؛ نامه‌ی «دست شما درد نکند» از بین رفت، پدر و مادر «زهی» و «مرحبا» گو از بین رفت؛ کسی که در جلو مبارزه می‌کند، چطور قدرت مبارزه خواهد داشت؟! دو روز تلاش می‌کند؛ ولی از بین خواهد رفت. عقبه‌ی ما، در مبارزه‌ی ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت بود از «فرهنگ» ما. منطقه‌ی عقبه‌ی ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه‌ی به اسلام. یعنی علاقه‌ی آن مادری که چهار پسرش شهید شده‌اند و می‌گوید من این‌ها را در راه اسلام دادم، و به این راضی است. بنده خانواده‌هایی را از نزدیک دیده‌ام یعنی به خانه‌ی آنها رفته‌ام و با پدران و مادران صحبت کرده‌ام. روایت نیست؛ خودم از نزدیک

دیده‌ام. خانواده‌ای که دو پسر داشتند، هر دو شهید شدند. خانواده‌ای که سه پسر داشتند و هر سه شهید شدند. این مگر شوخی است؟! این مصیبت، مگر قابل تحمل است؟! این پدر و مادر باید از غصه دیوانه شوند. آن وقت، مادر، که عواطف جوشان‌تری هم دارد، با کمال قدرت می‌گوید: «ما این‌ها را در راه اسلام دادیم، و حرفی نداریم.» عجب!

پس تاثیر اسلام این است! تاثیر ایمان به خدا این است! این را دشمن فهمید. پدر و مادری به جوان خود می‌گویند «تو هنوز شانزده سالت است، هفده سالت است؛ برو درست را بخوان؛ برو بازیت را بکن؛ لذت را ببر. برادرت رفت و شهید شد.»؛ جوان می‌گوید: «نه! من سهم خودم را باید برای اسلام ادا کنم.» این، عبارتی است که ما در وصیت‌نامه‌های شهدا دیده‌ایم و از پدران و مادران شهدا و خانواده‌ها شنیده‌ایم. اثر اسلام، این است.

بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش / ۱۳۷۵/۱۱/۱۸

دشمنان ملتها، برای تصرف و از پا انداختن و نابود کردن مقاومت آنان، تدابیر گوناگونی را به کار می‌زنند. یکی از این تدابیر که امروز در جاهایی از دنیا خیلی نمایان است، این است که ارتشهای آن کشورها را قبضه می‌کنند. وقتی ارتش در یک کشور قبضه بیگانگان شد، در واقع امنیت از فضای سیاسی آن کشور هم رخت بر می‌بندد. هر جایی که بیگانه لازم بداند، به وسیله این بازوی مسلح، اوضاع آن کشور را در هم و برهم، یا هدایت می‌کند و یا به کلی دگرگون می‌سازد. این، نشان دهنده نقش با اهمیت نیروهای مسلح در کشورها هم هست. در رژیم گذشته ایران هم کم و بیش این‌طور بود. آنها حتی تصور می‌کردند که وقتی دستگاه سیاسی این کشور - که خاندان پهلوی هم جزو آنها بودند - مجبور به عقب‌نشینی شود، باز کارگزاران آنها در نیروهای مسلح ایران خواهند توانست منافع امریکاییها را تامین کنند. البته آنها ایران و ایرانی و اعتقادات عمیق ما و اصالت ذوات و طینتهای مردم این کشور را نشناخته و بد محاسبه کرده بودند. منظورم صحت و سقم محاسبه آنها نیست؛ منظورم محاسبه عمومی بر روی نیروهای مسلح در کشورهای مختلف است. شما به کشورهایی که ارتشپاشان سرسپرده بیگانگان هستند، نگاه کنید، ببینید که در آن جاها چگونه عمل می‌کنند و کشورها در چه وضعیتی قرار دارند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۸/۰۵/۰۸

ملت ایران مزه استقلال و طعم آزادی و عزت را چشیده است؛ ملت ایران مزه تسلط نبودن اجانب را چشیده است؛ لذا دیگر زیر بار نخواهد رفت. پس، اولین غلطی که در محاسبه‌شان داشتند، این بود که ملت ایران را بد ارزیابی و محاسبه کردند. اشتباه دوم آنها اشتباه در محاسبه‌ی دانشجویان ما بود. گفت: خود گویم و خود خندم! خودشان گفتند، خودشان هم کیف کردند که دانشجویان با نظام مخالفند و اسلام را قبول ندارند! کدام دانشجویان؟ به! ممکن است چهار نفر از نوکران و مزدوران شما در گوشه‌ای باشند و پسران یا دختران آنها هم دانشجویان باشند البته معلوم هم نیست این‌طور باشد؛ اما حالا به فرض چهار نفر هم پیدا شدند ولی توده‌ی دانشجویان، مومن و هوشیار و رشید و آگاهند. دیدید باینکه احساساتشان جریحه‌دار شده بود قضیه‌ی کوی دانشگاه، حقیقتاً دانشجویان را عصبانی و ناراحت کرده بود تا دیدند دشمن می‌خواهد استفاده کند، اعلان کردند و گفتند ما نیستیم. دانشجویان ما فرزندان ما هستند؛ فرزندان شما که نیستند؛ بچه‌ی همین خانواده‌اند. بچه‌ی این خانواده، حتی اگر بچه‌ی تخس هم باشد، وقتی که ببیند دشمن به خانه حمله کرد، می‌رود سینه سپر می‌کند. حتی آن تخس‌ها گاهی بهتر هم سینه سپر می‌کنند! بچه‌ی خانواده، خودش را در دفاع مقدس نشان داد. شما ببینید از همین دانشگاه تهران و از دانشگاه‌های دیگر تهران و سایر نقاط کشور، چقدر دانشجو به جبهه رفت؛ چقدر دانشجو شهید شد. طبقه‌ی اولی که سپاه پاسداران را تشکیل دادند، اغلب همین دانشجویان بودند. طبقه‌ی اولی که جهاد سازندگی را تشکیل دادند، همین دانشجویان بودند. الآن کارهای مهم علمی نظام را همین دانشجویان به صورت عملی و تجربی در آزمایشگاه‌های دانشگاه‌ها انجام می‌دهند. چه فکر کردید در باره‌ی دانشجویان ما؟!

اشتباه سوم در مورد وحدت مسئولان بود. خیال می‌کردند همان شایعانی را که پخش کرده‌اند، محقق خواهد شد؛ مثل آن دیوانه‌ای که خواست بچه‌ها را از خودش دور کند، به دروغ گفت فلان‌جا مهمانی می‌دهند! بعد که بچه‌ها شروع به رفتن کردند، خودش هم راه افتاد؛ گفت حالا شاید هم مهمانی بود! این‌ها خودشان شایعه را القا می‌کنند، خودشان هم باور می‌کنند که بین مسئولان اختلاف هست. نه آقا! بین مسئولان اختلافی نیست. همان روز سه‌شنبه عصری که لازم دیده شد مسئولین طراز اول کشور باینکه با بنده جلسه‌ای بگذارند، در آنجا روسای محترم سه قوه، رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرای محترم اطلاعات، کشور و دیگران، وقتی صحبت می‌کردند، من دقت کردم، دیدم همه‌شان یک حرف می‌زنند؛ همه‌شان یک چیز می‌خواهند؛ همه‌شان دنبال یک مطلب و یک هدفند. مسئولان کشور این گونه‌اند. کجا رفتید؛ چه اشتباهی می‌کنید! خودشان می‌نشینند، می‌بافند، می‌دوزند و برطبق آن قضاوت برای هرکسی حکمی صادر می‌کنند. من الآن عرض می‌کنم و می‌دانم که ملت ایران می‌داند و با تکرار من خوشحال هم می‌شود، و می‌دانم که دشمن هم می‌داند و با تکرار من ناراحت می‌شود؛ اما همه بدانند که مواضع روسای کشور بخصوص رئیس‌جمهور محترم در این قضایا، مواضعی بود که صدرصد مورد تایید و حمایت من بود. بنده به طور قاطع از مسئولان کشور دفاع و حمایت می‌کنم؛ از روسای سه قوه دفاع و حمایت می‌کنم. من به طور قاطع از شخص رئیس‌جمهور حمایت می‌کنم. اگر اشکال و ایراد هم به عملکرد بعضی از اجزای دولت داشته باشم، به رئیس‌جمهور می‌گویم و می‌دانم و اطمینان دارم که ایشان دنبال می‌کنند. قضایای ما این‌گونه است. دشمن، چیز دیگر و طور دیگری فهمیده بود.

اشتباه چهارم محاسبه‌ی جناح‌های داخلی سیاسی بود. این‌ها بد فهمیده بودند. دیده بودند که جناح‌ها و خط و خطوط سیاسی گاهی به هم می‌پرند؛ اما طور دیگری فرض کرده بودند. خیال کرده بودند که در این قضایا، این دو جناح یا دو، سه جناح، در مقابل هم می‌ایستند و تا گاو و ماهی باهم خواهند جنگید! اینجا را هم اشتباه کردند. دیدند که در راه‌پیمایی روز چهارشنبه، همه‌ی جناح‌ها اعلام کردند که با راه‌پیمایی عظیم مردم همراهند و در آن شرکت خواهند کرد؛ این را باور نمی‌کردند. اینجا دیگر چپ و راستی وجود نداشت. من از اسم چپ و راست هم خوشم نمی‌آید؛ اما حالا خودشان گاهی می‌گویند چپ و راست! همانهایی که هستند، همه‌شان اعلام کردند که در راه‌پیمایی عظیم مردم شرکت می‌کنند، و شرکت کردند. این هم اشتباه دیگر آنها بود. اشتباه پنجم آنها این بود که نسبت به نیروهایی هم که برایشان کار می‌کردند، اشتباه کردند! این‌ها آنجا نشسته بودند و خیال می‌کردند عوامل مزدورشان توانسته‌اند یک شبکه‌ی منسجم قوی از ارادل و اوباش درست کنند، که وقتی این ارادل و اوباش به خیابان آمدند، دیگر هیچ‌کس جلودارشان نیست! اینجا هم اشتباه کردند؛ نفهمیدند پولهایی که به مزدوران خودشان داده‌اند، طبق معمول، اغلب این پولها صرف عطینای خود این‌ها شده است! روی نیروهای وابسته‌ی خودشان زیادی حساب کرده بودند. نفهمیدند که با یک حضور بسیج و با یک حضور مردمی، همه‌ی این‌ها دوباره مثل حشرات به لانه‌های خودشان خواهند خزید. حالا را با ۲۸ مرداد سال ۳۲ اشتباه گرفته بودند؛ چون آن روز هم همین اوباش و ارادل و چاقوکش‌ها و امثال این‌ها به خیابانها آمدند و همه چیز را از خود کردند. بعد که آنها کار را تمام کردند، آن وقت ارتش شاه هم آمد و وارد شد! خیال کردند که حالا هم این‌گونه است؛ فکر بسیج و فکر مردم و فکر این نیروهای انقلابی را دیگر نکرده بودند.

اشتباه ششم آنها در باره‌ی دستگاه‌های عمل‌کننده بود. خیال نمی‌کردند نیروی انتظامی، یا وزارت اطلاعات، یا مسئولان گوناگونی که بخشهای مختلف را به عهده دارند، بتوانند این‌طور مقتدرانه وارد شوند. همان‌طور که عرض کردم، خیال کرده بودند که دیگر نفسی برای این‌ها باقی نمانده است! اشتباه این‌ها در محاسبات بود و خدای متعال این‌ها را به خاطر خطاهایشان، دچار ناکامی و شکست تلخ کرد.

بیانات در دیدار با جوانان در مصلاهی بزرگ تهران / ۱۳۷۹/۰۲/۰۱

من خدا را شکر می‌کنم که ملت ما بیدار و مسوولان ما بحمدالله بر گرد محور دین و اسلام متفق الکلمه‌اند. بسیاری سعی می‌کنند از زبان مسوولان کشور، از زبان رئیس‌جمهور یا دیگران، حرفهایی بزنند. اینها زحمت بی‌پوده می‌کشند. رئیس‌جمهور، یک عنصر روحانی، مومن، مرید امام، متکفل ترویج دین و دارای احساس مسوولیت در این زمینه است. مسوولان دیگر هم بحمدالله در سطوح بالا همین‌طورند. البته در مسوولان میانی کسانی هستند که ما از آنها گله داریم.

دشمن در تحلیل خود نسبت به ملت ایران و نسبت به جوانان ایران بسیار اشتباه کرد. بحمدالله ملت ایران، ملتی مقاوم، آگاه، هوشیار و آماده به کار است. وضع جوانان هم در همه جای کشور همین‌طور است. مسوولان هم که بحمدالله مسوولان مومن، پایبند به دین و دارای احساس مسوولیتند.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان / ۱۳۸۱/۰۲/۱۱

این مساله قطع یکماهه نفت که ما گفتیم، یک مساله اساسی است. با این مساله نمیشود سطحی برخورد کرد. البته یک مساله نمایشی هم نیست که دولتی تنها بایستد و بگوید من نفت خود را قطع میکنم؛ معلوم نیست چه طوری قطع میکند یا نمیکند. این یک مساله جدی و واقعی است و باید همه تصمیم بگیرند.

آمدند گفتند که قطع نفت به ضرر کشورهای قطع‌کننده است؛ در حالی که این طور نیست؛ این خطای در محاسبه است. قطع نفت به ضرر ملتها نیست؛ به سود آنهاست. همین الان شما میبینید در نوسانات قیمت نفت، چند صباح قیمت به بیست و چهار دلار، بیست و پنج دلار میرسد؛ اما بعد از چند روز به پانزده دلار، شانزده دلار کاهش پیدا میکند. از بالا رفتن و پایین آمدن قیمت ملتها این همه ضرر میبینند؛ چون اختیار در دست دیگران است. با قطع یک ماه نفت، این قدرت تصمیم‌گیری در ملتهای اسلامی آشکار خواهد شد. ملتها و دولتهای اسلامی نشان میدهند که میتوانند علیه دیکتاتوری بین‌المللی و علیه خواست زورگویانی که فقط به سرریزه متکی هستند، اقدام کنند. باید این کار را بکنند؛ این اجتناب‌ناپذیر است.

البته بعضی از دولتها مواضع خوبی اتخاذ کردند. دولت سوریه و دولت لبنان شجاعانه ایستادند؛ مواضعشان، مواضع خوبی است؛ لیکن همه دولتهای عربی، همه دولتهای اسلامی و دولتهای صادرکننده و تولیدکننده نفت باید به این وظیفه تاریخی خود اهمیت دهند. تاریخ در آینده روی این اقدامهای تعیین‌کننده قضاوت خواهد کرد؛ امروز هم ملتها قضاوت میکنند. امروز ملتها بر این اساس نسبت به دولتهای خود و نسبت به صداقت و دلسوزی و پاکدامنی آنها تصمیم‌گیری میکنند.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی / ۱۳۸۲/۰۲/۲۳

شما آینده‌ی عراق را چگونه پیش بینی می‌کنید؟ من نمی‌توانم پیش‌بینی قطعی کنم. آنچه به گمان زیاد و طبق محاسبات، انسان می‌فهمد، این است که نقشه‌ای که آمریکاها برای عراق داشتند، تحقق نخواهد یافت. آنچه تا الان تحقق پیدا کرده، مقدمات نقشه‌ی آنهاست. آمریکاها با مشکلات و چاله‌های زیادی مواجه خواهند شد. چیزهایی در صحنه‌ی عراق اتفاق افتاده و می‌افتد که قبلا به‌هیچ‌وجه آنها را محاسبه نکرده بودند. همین استقبالهایی که از بعضی علما و بزرگان در عراق می‌شود، ما می‌دانیم و اطلاع داریم که به‌کلی امریکایی‌ها غافلگیر شده‌اند. چه زمانی آدم غافلگیر می‌شود؟ وقتی به‌هیچ‌وجه وقایع را پیش‌بینی و محاسبه نکرده باشد. آمریکاها اتحاد گروههای شیعه، همراهی گروههای شیعه و سنی، شعارهای مردم عراق و خواست صریح حکومت مردمی و برخاسته از آرا مردم را در مقابل کارشان - که گفتند حاکم نظامی می‌گذاریم و گذاشتند و قدرت‌نمایی هم کردند - محاسبه نکرده بودند و کار، بی‌محاسبه‌ی این جوانب صورت گرفته است و چون بی‌محاسبه است، دچار ضربه خواهد شد. هر کار بی‌محاسبه‌ای همین‌طور است؛ یعنی از همان جایی که محاسبه نکردند، ضربه را خواهند خورد. این پیش‌بینی اجمالی است که من می‌کنم.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۸۲/۰۸/۱۱

یکی از مهمترین مواضع بروز تفوا در عمل مسوولان این است: خود را در مقام انجام مسوولیت ندیدن؛ درست عکس آنچه که اهل دنیا برای مسوولیتها قائلند. اهل دنیا مسوولیت‌های دولتی و... را برای دنیای خودشان میخواهند. اگر ریاست، مدیریت یا عضویت در پارلمانها و مراکز این چنینی را میخواهند، در درجه اول آنچه برایشان اهمیت دارد، مسائل شخصی است. لذا در طی مسوولیت، بار خودشان را مینهند و شاید خود را برای مدت طولانی از عمر بیمه و تامین میکنند؛ در نظام جمهوری اسلامی، قطعا این محاسبه، محاسبه غلطی است. کسی که وارد مسوولیت میشود، باید مطلقا منافع شخصی خود را در قبول این مسوولیت نبیند و اگر این کار و مسوولیت مطابق تواناییاش نیست، مسوولیت را قبول نکند؛ اما وقتی قبول کرد، باید آنچه در درجه اول برایش اهمیت دارد - که هیچ چیز در عرض آن نیست - ادای مسوولیتش باشد؛ هرچند که به ضرر خود او و برخلاف منافعش تمام شود.

مسوولیت را با سختیها و دغدغه‌هایش و با مجاهدتی که باید برای ادای آن کرد، قبول کنیم. اگر این شد، آن وقت انسان پیش خدای متعال و مردم روسفید است و مردم هم میفهمند. درست است که تبلیغ و گفتن و جنجال کردن و زرق و برق و ... روی ذهن آحادی از مردم تاثیرهایی میگذارد؛ اما این تاثیرات ماندنی نیست: «فاما الزید فیذهب جفا»؛ حقیقت باقی میماند؛ آنچه حق و صدق است در ذهن مردم جاگیر میشود. اگر خدای نکرده ما برخلاف تعهد دینی و انقلابی و تعهد بر اساس قبول مسوولیت، حرکت و عمل کنیم، ولو در برهه کوتاهی از زمان هم نتوانیم حقیقت را طور دیگری نشان دهیم، مردم درک میکنند.

بیانات در دیدار مردم قزوین / ۱۳۸۲/۰۹/۲۵

محاسبه ما این‌طور نشان میدهد که نظام جمهوری اسلامی در طول بیست و پنج سال گذشته در این راه پیشرفتهای زیادی کرده است. نمیگویم تماما به هدفهای خود رسیده‌ایم؛ نه. باز هم باید حرکت و تلاش کنیم؛ اما میگویم و ادعا میکنیم که در این راه، نظام جمهوری اسلامی پیشرفت کرده است. امروز اعتماد به نفس و امید ملت ایران از همه دوره‌های گذشته بیشتر و چشمش بازتر است. امید و نشاط در میان ملت بزرگ ایران یکی از دستاوردهای اسلام و انقلاب است. این را ما قدر میدانیم و مغتنم میشماریم و برای پیشرفت در این راه تلاش میکنیم.

بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان / ۱۳۸۲/۱۰/۱۲

مسوولان محترم هم در وزارت جهاد کشاورزی خدمت خود را مقدس بدانند. کار آنها بسیار مهم و یکی از انسانیت‌ترین کارهاست. البته خداوند متعال هم تفضل و لطف خواهد کرد. هرچا شما تلاش و مجاهدت کنید، مطمئن باشید کمک الهی بالای سرتان است. بله؛ اگر تبدیلی کنیم، کنار بنشینیم، محاسبه بد بکنیم و فریب بخوریم، کمک الهی از ما گرفته خواهد شد. دیگر نباید از خدا شکایت کنیم که چرا به ما کمک نکرد؛ از خودمان باید شکایت کنیم و خودمان را باید ملامت نماییم. کسانی که تلاششان موثر است، اگر وارد میدان کار و تلاش شوند و از اراده و فکر و جان و جسم خودشان مایه بگذارند، حتما کمک الهی بالای سر آنها و در اختیار آنهاست.

بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه / ۱۳۸۲/۰۵/۲۵

ما دنبال استحکام جمهوری اسلامی و دنبال بیداری اسلامی هستیم و می‌خواهیم اهداف خودمان را تحقق بخشیم و به‌هیچ‌وجه مایل نیستیم و اجازه نمی‌دهیم که بخواهند ما را در معادلات رایج جهانی حل کنند و هویت و تشخص ما را از بین ببرند. ما باید معادلات جهانی را محاسبه کنیم. بنده با کسانی که معتقدند معادلات حاکم بر جهان را بکلی باید کنار گذاشت، موافق نیستیم؛ با کسانی هم که معتقدند باید یکسره در چهارچوب این معادلات کار کرد، موافق نیستیم. این معادلات تجزیه‌ناپذیر نیستند. می‌شود عناصر جدیدی را به آنها وارد کرد و عناصری را هم نادیده گرفت و حذف کرد. این البته مخالفت‌هایی را برمی‌انگیزد؛ برانگیزد. ما یک موجود زنده هستیم، تلاش می‌کنیم، کار می‌کنیم و از ابزارهای خودمان استفاده می‌کنیم و اثبات می‌کنیم که این راه درست است و همان را دنبال می‌کنیم. برای این کار از همه‌ی ظرفیتهایمان باید استفاده کرد. این، در زمینه‌ی مبنای اصولی سیاست خارجی

ما، که آنرا شما برادران و خواهران عزیز و مسئولان و کارگزاران سیاست خارجی در مد نظر داشته باشید.

بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) / ۱۳۸۴/۰۲/۱۰

امروز سعادت کشور ما در ادامه راه امام است. امروز همه‌ی آرمانهای بحقی که این ملت دارد، به‌وسیله‌ی خط امام و راه امام تامین میشود؛ این را من با محاسبه و دقت و با قرآن و شواهد عینی و ملموس عرض میکنم. این ملت اگر امروز بخواهد در مقابل قدرتهای استکباری شکل گرفته - که به هیچ چیزی کمتر از بلعیدن ملتها قانع نیستند - بایستد و هویت و استقلال خود را حفظ کند و بتواند با رای و نظر خود، راه زندگی اش را انتخاب کند، هیچ راهی ندارد جز این‌که به خط امام و راه امام متمسک شود؛ هم تفکرات او را در مجرای زندگی و عمل و فکر قرار دهد و هم شیوه‌ی او را. شیوه‌ی او، تسلیم شدن به فرم و الگوی بیگانه نبود. این‌طور نبود که میدان بازی را دشمن معین و ترسیم کند و چون هر بازیکنی یک‌طور بازی میکند، امام هم در آن میدان مشغول کار شود؛ نخیر، میدان را خودش انتخاب و ترسیم میکرد؛ لذا دشمن را غافلگیر میکرد. امام ساز و کار استکباری امروز دنیا را به هم زد.

بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی / ۱۳۸۴/۰۲/۰۷

در خلال این انتخابات، برخی کارهایی انجام گرفت که بنده به عواملی که این کارها را انجام دادند، بدبینم؛ این تخریبهایی که صورت گرفت، بعضی از تخریبهایی البته از روی بیتوجهی بود؛ بعضی از آقایان و نامزدها یا طرفداران آنها با محاسباتی، حرفهایی نسبت به نظام زدند که واقع‌بینانه نبود؛ خیلی از مثبتات نظام، از کارهای بزرگ نظام نادیده گرفته شد و سیاه‌نمایی شد. و پیشرفتهای عظیمی که به وسیله‌ی دولتها در این سالها به وجود آمده، ندیده گرفته شد؛ اینها از روی غفلت بود، لیکن بعضی از این تخریبهایی از روی غفلت نبود. تعدادی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری مورد تخریب قرار گرفتند؛ تخریبهایی غیر منصفانه و ناجوانمردانه؛ حتی شخصیت موچه‌ی مثل آقای هاشمی رفسنجانی که شخصیت محترم و باسابقه‌ای است، از دم این تخریبهایی در امان نماند. این، حادثه‌ی بدی بود. رحمت الهی را نباید با این‌گونه کارها آلوده کرد؛ با این که ما تاکید کرده بودیم. امروز چون گذشته است، من نصیحت میکنم؛ اما مسئولان قضایی و غیر قضایی، غیر از نصیحت، وظایف دیگر هم دارند؛ آنها عوامل این تخریبها را تعقیب کنند و آنها را پیدا کنند. یک عده به طور مسلم از روی جهالت و غفلت این کار را کردند، که البته فعل حرامی انجام گرفت؛ لیکن بسیاری از کارهایی که انجام گرفت، کار کسانی بود که به هیچ یک از نامزدها علاقه‌ای نداشتند و تخریب آنها برای تخریب فضای انتخابات انجام گرفت؛ آنها تخریب کردند، برای زیر سوال بردن نظام اسلامی. ما در اختلافات بزرگ مذهبی، فکری، سیاسی دیده‌ایم که کسانی وارد میدان فتنه‌انگیزی میشوند و از زبان این، آن را میکوبند؛ از زبان آن، این را میکوبند؛ در حالی که نه به این علاقه دارند، نه به آن! اینها را پیدا کنید؛ مفسران اصلی بایستی مشخص شوند، که مطمئناً دست دشمن در کار است. بعضی اظهارات، متأسفانه عزیزترین قشرهای این کشور، جوانان مومن و بسیجی، را زیر سوال برد! این‌جور نیست، بلکه دستهای دشمن است که در کار است برای فتنه‌انگیزی و برای ایجاد فساد.

متن حکم تنفیذ نهمین دوره‌ی ریاست‌جمهوری اسلامی ایران / ۱۳۸۴/۰۵/۱۲

حماسه‌ی ملت بزرگ ما در انتخابات نهم، پدیده‌ای شگفت‌انگیز بود. حضور حداکثری مردم در عرصه‌ی انتخاب و نزدیک به شصت میلیون رای را در دو مرحله به میدان این مسابقه‌ی پربرکت آوردن جهاد بزرگ این ملت بود با مستکبران مداخله‌جو که در محاسبه‌ی شیطانی خود، مردم را بی‌تفاوت، جمهوری اسلامی را بی‌پشتوانه و انقلاب و امام را به غربت افتاده، می‌پنداشتند. ملت ایران این خواب و خیال را باطل کرد. انتخابات نهم سیلی ملت ایران بر گونه‌ی دشمنانی بود که مردمسالاری برخاسته از ایمان اسلامی را برهم‌زننده‌ی جادوی تبلیغاتشان بر ضد اسلام می‌دانند و درخشش این ستاره را بر پیشانی نظام اسلامی برنمی‌تابند. ایران اسلامی عزم و تصمیم خود، نشاط و سرزندگی خود، و حضور پرمعنا و مبارک خود را یکبار دیگر به رخ مستکبران کشید و شیطان بزرگ را یکبار دیگر ناکام ساخت.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۴/۰۶/۰۸

نظام اسلامی پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. شورش انقلابی و نهضت انقلابی میتوانست انجام بگیرد، اما نظام غیراسلامی تشکیل شود. خیلی جاها این‌طور شده؛ در الجزایر همین‌طور بود. در الجزایر، نهضت، اسلامی بود. اصلاً پایگاه نهضت و رهبران نهضت، مسلمانها بودند؛ اما بعد از آن‌که نهضت به نتیجه رسید، کسانی که اعتقادی به مبانی تفکر اسلامی نداشتند، آمدند قدرت را در دست گرفتند. این‌جا هم همین کارها داشت میشد. در همان روز ۲۱ بهمن و ۲۲ بهمن از این کارها داشت میشد. بنده از نزدیک در جریان برخی از کارها بودم؛ داشتند حرکت میکردند که به اصطلاح خودشان یک جنبش کارگری و یک حرکت کارگری را بر این حرکت عمومی تقلیب کنند و همان فرمولی که در روی کار آمدن نظامهای سوسیالیستی در دنیا معمول است - یعنی انقلاب طبقه‌ی کارگر - تحقق بدهند و بعد هم یک چند نفر سر کار بیایند؛ منتها امام را محاسبه نکرده بودند؛ یعنی این گوهر خدشه‌ناپذیر شکست‌ناپذیر را در محاسباتشان ندیده بودند؛ لذا سخت ضربه خوردند. حتی روز سوم بعد از پیروزی انقلاب راه افتادند آمدند جلوی بیت امام در مدرسه‌ی علوی و تظاهرات کردند و مطالبات به‌اصطلاح سوسیالیستی و کارگری را مطرح کردند. ولی نظام اسلامی تشکیل شد.

بیانات در دیدار کاروانهای راهیان نور در دهلاویه / ۱۳۸۵/۰۱/۰۵

من در این منطقه، مردمی را دیدم که عمر خود را در همین منطقه گذرانده بودند- برادران و خواهران عرب- و با شجاعت، با جانفشانی و وفاداری خود به اسلام و ایران عزیز، آن‌چنان ایستادگی‌ای کردند که همه‌ی محاسبات دشمن یعنی و پشتیبانان خارجی او، غلط از آب درآمد. من در این منطقه، جوانان غیور این کشور را مشاهده کردم که از اکناف این کشور پهناور و بزرگ، از آغوش خانواده‌ها، از زندگی راحت در کنار پدر و مادر، دل بریده بودند تا به اینجا بیایند و از مرزهای شرف و عزت ایران اسلامی دفاع کنند. خوزستان، نقطه‌ای است که در آن توطئه‌ی دشمنان ناکام ماند؛ خوزستان منطقه‌ای است که در آن محاسبات دشمنان اسلام غلط از آب درآمد. طاغوت عراق طور دیگری محاسبه کرده بود و پشتیبانان صدام- یعنی آمریکا و دیگر عناصر اردوگاه استکبار جهانی- محاسبات دیگری کرده بودند. همت شما مردم، غیرت جوانان مسلمان از سراسر کشور و حمیت و ایمان مرد و زن این سرزمین، محاسبات آنها را از ریشه باطل کرد.

بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۶/۰۶/۰۲

سفارش دوم مساله‌ی تقویت کارشناسی است. من حرفهایی را که مخالفان شما و منتقدان باانصاف و بی‌انصاف شما در زمینه‌ی کارشناسی نشده بودن کارهای دولت ذکر میکنند، هیچ جدی نمیگیرم و آنها ملاک قضاوت من نیست؛ چون میبینم که یک جاهانی کارهای کارشناسی بسیار خوبی هم انجام میگیرد؛ اما میخواهم تاکید کنم بر این‌که کار کارشناسی را حقیقتاً جدی بگیرید؛ بخصوص در کارهای مبنایی و بنیانی، مثل مساله‌ی برنامه‌ریزی و بودجه‌نویسی، یا مساله‌ی شوراها و امثال اینها؛ اینها کارهای بنیانی و ماندگار است؛ یعنی باید بماند. اگر کار کارشناسی عمیق دقیق همه‌جانبه‌ی متبحرانه‌ای انجام گرفت، این کار ماندگار خواهد شد؛ والا اگر چنانچه گوشه‌ی کارشناسی سانیده بود، زحمات شما به هدر خواهد رفت. اولاً خود شماها ممکن است در آینده به اشتباهاتی که اتفاق میافتد، واقف بشوید و بعضی اشتباهات دیگر قابل جبران نیست؛ دیگر اینکه کسانی که بعد از شما می‌آیند و آیندگان - شما که فقط برای همین دوره‌ی دولت خودتان این کارها را انجام نمیدهدید، شما میخواهید این کارها در ساختار تشکیلاتی دستگاه کشور باقی بماند - آنها را جدی نخواهند گرفت؛ بر خلاف آن‌وقتی که کار کارشناسی دقیق شده باشد. بالاخره در پایه‌ها، کوچکترین اشتباه در محاسبه، خطرات بزرگ درست میکند. فونداسیون یک ساختمان با دیواری که بین دو اتاق کشیده میشود، فرق میکند؛ آن‌جا محاسبات باید خیلی دقیق و کارشناسی باشد تا بنا باقی بماند و دچار مشکل نشود. این هم یک مسئله است.

البته در این کار کارشناسی، مسئله‌ی تعامل با نخبگان هم - که من مکررا هم به شماها گفته‌ام و هم با آقای رئیس‌جمهور مکرر صحبت شده - مطرح می‌شود؛ یعنی از نخبگان استفاده کنید. نخبگان کشور زیادند و در این جمع و جمعهای مرتبط با این جمع هم منحصر نمی‌شوند. ما انصافاً آدمهای نخبه در کشور کم نداریم؛ در دانشگاهها هستند، در محیطهای کاری و تحقیقاتی هستند. گاهی که انسان با افراد نخبه برخورد میکند، میفهمد که همه هم آماده و مشتاقند و دلشان میخواهد کمک کنند؛ جویا و خواهان اینها باشید. البته این باید در عمل نشان داده بشود تا نخبگان بیایند و خودشان را عرضه کنند که یک مسئله مهمی است.

بیانات در دیدار مردم یزد / ۱۳۸۶/۱۰/۱۳

دشمن سعی میکند ارتباط قلبی و عواطف بین مسئولین را و بین مردم را تضعیف کند. هر وقتی به تناسب بخشی از دستگاه جمهوری اسلامی را تضعیف میکنند، متهم میکنند؛ یک روز قوه مجریه را، یک روز قوه مقننه را، یک روز قوه قضائیه را، یک روز دستگاههای گوناگون دیگر نظام را؛ کار دشمن است، برای اینکه مردم را دچار حیرت و سردرگمی کنند. مردم ما خوشبختانه هوشیارند؛ بصیرند، مسائل را محاسبه میکنند و درست هم محاسبه میکنند. لذا رابطه‌ی بین مردم، رابطه‌ی بین مسئولین و مردم، رابطه‌ی گرم و مستحکمی است. ان‌شاءالله روزبه‌روز این رابطه مستحکم‌تر بشود و مردم ببینند و عملاً حس کنند که مسئولین برای آنها دلسوزی میکنند؛ و مسئولین آماده‌ی به کارند و کارائی دارند و میتوانند کارها را پیش ببرند.

بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد / ۱۳۸۶/۱۰/۱۳

آیا وقتی که یک قدرت سطره‌جو برای عقب نشانیدن روحی و روانی یک ملت و شکستن اعتماد به نفس او، اینطور ناکام میشود، آیا ساکت میماند؟ جواب این است که نه، ساکت نمیماند؛ دنبال راه‌های جدید میگردد. چون او دنبال راه‌های جدید میگردد، ما باید به فکر شیوه‌های جدید باشیم. ما باید محاسبه‌ی راه‌های جدید دشمن را بکنیم؛ بدانیم امکانات او، امکانات کمی نیست. من بارها گفته‌ام: «دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد». دشمن امکانات تبلیغاتی اش با امکانات تبلیغاتی جمهوری اسلامی قابل مقایسه نیست. این را هم من به شما عرض بکنم؛ در زمینه‌های کار فرهنگی، در زمینه‌های کار تبلیغاتی و ارتباطاتی، امکانات دشمن خیلی زیاد است؛ دائم مشغولند، پول هم فراوان خرج میکنند. اینی که گفتند آقا ما هشتاد میلیون دلار، صد میلیون دلار به مخالفین نظام در ایران - به تعبیر خودشان اوبورسیونیون - میدهم، اینها ظاهر قضیه است؛ هزینه‌های آنها برای این کار خیلی بیشتر از این چیزهاست. دارند هزینه میکنند. من و شما، جوان این مملکت، دانشجوی این مملکت، مسئول این مملکت، استاد این مملکت باید بدانند که دشمن از چه راهی وارد خواهد شد؛ پیش بینی کند. اگر پیش‌بینی کردید، آن وقت پدیده‌هایی که در جامعه پیش می‌آید، اینها را میشناسید. وقتی شما میدانید که فرضاً سیلی در راه است، یا طوفانی در راه است، پدیده‌های پیش از حدوث سیل یا طوفان وقتی در زندگی شما اتفاق می‌افتد، این لحظات پیش از سیل یا طوفان را میشناسید و عاملش را میدانید. وقتی نمیدانید، این عوامل برای شما ناشناخته است. گاهی انسان به آن عوامل نادانسته کمک میکند. این است که این بحث را برای ما جدی میکند.

بیانات در دیدار مردم تبریز / ۱۳۸۶/۱۱/۲۸

امسال شما نگاه کنید به بیست و دو بهمن. بیست و نه سال از انقلاب گذشته است. امسال بیست و دو بهمن همانطور که جناب آقای مجتهد شبستری از تبریز نقل کردند، بنده هم از نقاط مختلف - چه تهران، چه سایر شهرستانها - خبرگیری کردم، کسانی که اهل این کارند و اهل تشخیصند، تقریباً به طور قاطع نظر دادند که امسال حضور مردم، هیجان مردم، شرکت مردم از سال گذشته و سالهای قبل بیشتر بود؛ چرا؟ چون این ملت زنده است؛ چون این انقلاب زنده است. آن کسانی که در طول این سالهای وسط ناگهان هیجانزده شدند، اعلام کردند که انقلاب تمام شد، انقلاب مرد، امام فراموش شد، خطا کردند، بد محاسبه کردند، اشتباه کردند. انقلاب بانشاطتر شد. ارزشهای انقلاب زنده‌تر شد.

بیانات در دیدار مردم تبریز / ۱۳۸۶/۱۱/۲۸

انقلابها نمیمانند؛ نیمه‌کاره رها میشوند؛ چون ایمان نیست؛ چون آن عروهی وثقی نیست. این انقلاب در بین مردم ماند و روز به روز شادابتر شد و کارائی خودش را روز به روز بیشتر نشان داد. امسال شما نگاه کنید به بیست و دو بهمن. بیست و نه سال از انقلاب گذشته است. امسال بیست و دو بهمن همانطور که جناب آقای مجتهد شبستری از تبریز نقل کردند، بنده هم از نقاط مختلف - چه تهران، چه سایر شهرستانها - خبرگیری کردم، کسانی که اهل این کارند و اهل تشخیصند، تقریباً به طور قاطع نظر دادند که امسال حضور مردم، هیجان مردم، شرکت مردم از سال گذشته و سالهای قبل بیشتر بود؛ چرا؟ چون این ملت زنده است؛ چون این انقلاب زنده است. آن کسانی که در طول این سالهای وسط ناگهان هیجانزده شدند، اعلام کردند که انقلاب تمام شد، انقلاب مرد، امام فراموش شد، خطا کردند، بد محاسبه کردند، اشتباه کردند. انقلاب بانشاطتر شد. ارزشهای انقلاب زنده‌تر شد. امروز آن کسی که بیاید بین مردم و شعارهای انقلاب را مطرح کند، مردم به او رای میدهند؛ مردم او را میخواهند؛ چون کارائی انقلاب را میبینند؛ کارهایی که انقلاب در این کشور کرده، جایگاهی که برای این ملت در دنیا به وجود آورده، روح اعتماد به نفسی که در جوانان این ملت دمیده شده، اینها چیزهایی است که گاهی در صد سال هم به دست نمی‌آید. این انقلاب اینها را انجام داد. مشکلات اینجوری حل میشود.

بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی / ۱۳۸۷/۱۰/۱۹

بهائی که ما می‌پردازیم، باید ملاحظه شود با آن چیزی که با این پرداخت، برای اسلام، برای مسلمین، برای امت اسلامی و برای جامعه به دست می‌آید. گاهی صد تومان انسان خرج کند، اسراف کرده؛ گاهی صد میلیارد اگر خرج کند، اسراف نکرده. باید دید چه در مقابلش می‌گیریم. انقلاب اسلامی عمل به این نسخه بود. امام بزرگوار ما به این نسخه عمل کرد. یک عده‌ای آدم‌های ظاهرنگر و سطحی‌بین- البته آدم‌های خوب، مردمان بدی نبودند؛ ما اینها را می‌شناختیم- همان وقت می‌گفتند که ایشان این جوانها را توی میدان آوردند و بهترین جوانهای ما به کشتن داده می‌شوند؛ خونشان ریخته می‌شود. خیال می‌کردند که امام نمی‌داند که جان این جوانها در خطر قرار می‌گیرد. دلشان برای او می‌سوخت. این ناشی بود از این که محاسبه درست نمی‌شد. خوب بله، در جنگ تحمیلی، ما این همه شهید دادیم، این همه جانباذ دادیم، این همه خانواده داغدار شدند. این، بهای بزرگی است؛ اما در مقابل، چه؟ در مقابل، استقلال کشور، پرچم اسلام، هویت ایران اسلامی را در مقابل آن طوفان عظیم حفظ کردیم.

بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی / ۱۳۸۷/۱۰/۱۹

در یک چنین موقعیتی که این قدر غفلت بر دنیای اسلام حاکم است که خطر را درک و استشمام نمیکنند، چه کار باید کرد؟ کسی مثل حسین بن علی که مظهر اسلام است، نسخه‌ی بی‌تغییر پیغمبر مکرر اسلام است - «حسین منی و انا من حسین» - در این شرایط چه کار باید بکنند؟ او باید کاری کند که دنیای اسلام را - نه فقط آن روز، بلکه در طول قرنهای بعد از آن - بیدار کند؛ آگاه کند؛ تکان بدهد. این تکان با قیام امام حسین شروع شد. حالا اینکه امام حسین دعوت شد برای حکومت در کوفه و حرکت کرد به کوفه، اینها ظواهر کار و بهانه‌های کار بود. اگر امام حسین (علیه‌السلام) دعوت هم نمی‌شد، این قیام تحقق پیدا میکرد. امام حسین باید این حرکت را انجام میداد، تا نشان بدهد که دستور کار، در یک چنین شرایطی، برای مسلمان چیست. نسخه را به همه‌ی مسلمانهای قرنهای بعدی نشان داد. یک نسخه‌ای نوشت؛ منتها نسخه‌ی حسین بن علی، نسخه‌ی لفاظی و خرافاتی و «دستور بده، خودت بنشین» نبود؛ نسخه‌ی عملی بود. او خودش

حرکت کرد و نشان داد که راه این است. ایشان از قول پیغمبر نقل میکنند که آن وقتی که شما دیدید که اسلام کنار گذاشته شد؛ ظالمین بر مردم حکومت میکنند؛ دین خدا را تغییر میدهند؛ با فسق و فجور با مردم رفتار میکنند؛ آن کسی که در مقابل این وضع، نایستد و قیام نکند، «کان حقا علی الله ان یدخله مدخله»؛ خدا متعال با این آدم ساکت و بی تفاوت هم مثل همان کسی که «مستحل حرمت الله» است، رفتار خواهد کرد. این نسخه است. قیام امام حسین این است. در راه این قیام، جان مطهر و مبارک و گرانمای امام حسین که برترین جانهای عالم است، اگر قربانی شود به نظر امام حسین، بهای زیادی نیست. جان بهترین مردمان که اصحاب امام حسین بودند، اگر قربان شود، برای امام حسین بهای گرانی محسوب نمیشود. اسارت آل الله، حرم پیغمبر، شخصیتی مثل زینب که در دست بیگانگان اسیر بشود - حسین بن علی میدانست وقتی در این بیابان کشته شود، آنها این زن و بچه را اسیر میکنند - این اسارت و پرداختن این بهای سنگین به نظر امام حسین، برای این مقصود سنگین نبود. بهائی که ما میپرزیم، باید ملاحظه شود با آن چیزی که با این پرداخت، برای اسلام، برای مسلمین، برای امت اسلامی و برای جامعه به دست می‌آید. گاهی صد تومان انسان خرج کند، اسراف کرده؛ گاهی صد میلیارد اگر خرج کند، اسراف نکرده. باید دید چه در مقابلش میگیریم. انقلاب اسلامی عمل به این نسخه بود. امام بزرگوار ما به این نسخه عمل کرد. یک عده‌ای آدمهای ظاهرنگر و سطحیین - البته آدمهای خوب، مردمان بدی نبودند؛ ما اینها را میشناختیم - همان وقت میگفتند که ایشان این جوانها را توی میدان آوردند و بهترین جوانهای ما به کشتن داده میشوند؛ خونشان ریخته میشود. خیال میکردند که امام نمیداند که جان این جوانها در خطر قرار میگیرد. دلشان برای او میسوخت. این ناشی بود از اینکه محاسبه درست نمیشد. خوب بله، در جنگ تخمیلی، ما این همه شهید دادیم، این همه جانباز دادیم، این همه خانواده داغدار شدند. این، بهای بزرگی است؛ اما در مقابل، چه؟ در مقابل، استقلال کشور، پرچم اسلام، هویت ایران اسلامی را در مقابل آن طوفان عظیم حفظ کردیم. آن طوفانی که درست کرده بودند، طوفان صدام نبود. صدام، آن سرباز جلو جبهه‌ی دشمن بود. پشت سر صدام همه‌ی دستگاه و دنیای کفر و استکبار قرار گرفته بودند. اگر فرض کنیم از اول هم وارد این توطئه نبودند، در ادامه واضح و روشن بود؛ همه آمدند پشت سر صدام. آمریکا آمد، شوروی آن روز آمد، ناتو آمد، کشورهای مرتجع و وابسته‌ی به استکبار آمدند؛ پول دادند، اطلاعات دادند، نقشه دادند، تبلیغات کردند. این جبهه‌ی عظیم آمده بود تا ایران بزرگ، ایران رشید و شجاع، ایران مومن را بکلی در هم بیچد. یک منطقه‌ی دست‌نشانده‌ی برای استکبار را در درجه‌ی اول، مغلوب عنصر پست و کوچکی مثل صدام کند و در درجه‌ی بعد هم در مشیت و چنگال آمریکا نگه دارد. مصیبتی را که در طول دو بیست سال بر سر کشور ما آوردند و این همه مشکل برای ملت درست کردند، این مصیبت را صد سال دیگر، دو بیست سال دیگر ادامه بدهند. ملت ما ایستاد، امام بزرگوار ایستاد. البته جانهای عزیز را دادیم، شهیدان بزرگی را دادیم، جوانهای محبوبی را فدا کردیم؛ اما این بهای گرانی در مقابل آن دستاورد نبود.

بیانات در دیدار زائران و مجاوران پارکگاه حضرت علی بن موسی الرضا / ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

من نمیدانم تصمیم‌گیر در آمریکا کیست؛ رئیس جمهور است؟ کنگره است؟ عناصر پشت پرده‌اند؟ لیکن من میخواهم بگویم ما منطقی داریم. ملت ایران از روز اول تا امروز با منطق حرکت کرده است. ما در زمینه‌ی مسائل مهم خودمان احساساتنی نیستیم؛ از روی احساسات تصمیم نمیگیریم؛ ما با محاسبه تصمیم میگیریم. میگویند بیانیتهای مذاکره کنیم، بیانیتهای روابط ایجاد کنیم. شعار تغییر میدهند؛ خوب، این تغییر کجاست؟ چه تغییر کرده؟ این را برای ما روشن کنید؛ چه تغییر کرده است؟ دشمنی شما با ملت ایران تغییر کرده؟ کو علامتش؟ دارائیهای ملت ایران را آزاد کردید؟ تحریمهای ظالمانه را برداشتید؟ از لجن‌پراکنی و اتهام‌زنی و تبلیغات سو علیه این ملت بزرگ و مسئولین مردمی آن دست برداشتید؟ دفاع بی قید و شرط از رژیم صهیونیستی را کنار گذاشتید؟ چه تغییر کرده؟ شعار تغییر میدهند، اما در عمل تغییری مشاهده نمیشود. ما هیچ تغییری ندیدیم. حتی ادبیات هم عوض نشده است. رئیس جمهور جدید آمریکا از اولین لحظه‌ای که رسماً به ریاست جمهوری رسید و نطق کرد، به ایران و دولت جمهوری اسلامی اهانت کرد؛ چرا؟ اگر راست میگویند تغییری انجام گرفته است، کو این تغییر؟ چرا چیزی دیده نمیشود؟ من این را به همه میگویم؛ مسئولین آمریکائی هم بدانند، دیگران هم بدانند؛ ملت ایران را نه میشود فریب داد، نه میشود ترساند.

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۸۸/۰۲/۲۹

این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسئولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیر قانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه‌ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت.

من از همه‌ی این دوستان، این برادران، میخواهم بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است، از این راه بروید. و امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که همه از این راه بروند. خب، همه پیشرفت کشور را میخواهند. جشن پیروزی چهل میلیونی را این برادران گرمای بدارند و نگذارند دشمن این جشن را خراب کند؛ همچنانی که دشمن میخواهد خراب کند. البته اگر کسانی بخواهند راه دیگری را انتخاب بکنند، آنوقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریحتر از این صحبت خواهم کرد.

بیانات در دیدار جمعی از مردم در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین (ع) / ۱۳۸۸/۰۲/۱۵

سی سال تجربه‌ی ایستادگی نظام جمهوری اسلامی هنوز بیدارشان نکرده است. تودهنهائی که این ملت به سران زورگو و متجاوز آنها زده‌اند، اینها را به خود نیاورده است، به هوش نیاورده است؛ هنوز در کشور ما و در ملت ما، اینها طمع دارند. اشتباه میکنند؛ اشتباه میکنند. چوب این اشتباه خودشان را هم خواهند خورد بلاشک.

ما این اظهارات خصمانه را، این رفتارهای خصمانه را از این دولتها محاسبه خواهیم کرد، اینها را در حسابشان خواهیم نوشت؛ این را بدانند. در آینده‌ی روابط و تعامل جمهوری اسلامی با این مداخله‌گرها، این رفتار تاثیر منفی خواهد داشت؛ بلاشک؛ این را بدانند، بفهمند. ملت ایران ملتی نیست که زور را تحمل بکند. ملت ایران، ملت مقتدری است. نظام جمهوری اسلامی، نظام ریشه‌دار و تثبیت شده است. مسئولین جمهوری اسلامی اگر صد تا هم با هم اختلاف داشته باشند، در ایستادگی در مقابل دشمن، در حفظ استقلال این کشور، همه با هم یک کلام و یک دست‌اند. این را دشمنان بدانند؛ خیال نکنند که میتوانند بین ملت انشقاق بیندازند.

بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان / ۱۳۸۸/۱۱/۲۸

سی سال است که علیه جمهوری اسلامی دارند توطئه میکنند، و سی سال هم هست که دارند شکست میخورند. امسال برای چند دهمین بار جمهوری اسلامی در مبارزه‌ی خود در قبال مستکبرین پیروز شد و مستکبرین شکست خوردند.

حوادث بعد از انتخابات را که عده‌ای از روی نادانی و محاسبه‌ی غلط ایجاد کردند، دشمن بهانه کرد، شاید بتواند جمهوری اسلامی را تضعیف کند؛ اما بعکس شد؛ همین حوادث موجب قدرت جمهوری اسلامی شد. اگر تا قبل از این حوادث کسی میخواست با استدلال به مردم اثبات کند که دشمن در کمین است، بعد از این حوادث مردم به چشم خودشان دیدند که دشمن در کمین است. و ملت ایران اینجوری است؛ وقتی که دید دشمن در کمین است، معطل نمیکند، می‌آید توی میدان. از این به بعد هم به حول و قوه‌ی الهی و به توفیق پروردگار، همه‌ی قشرهای مردم در کارهایشان ان‌شاءالله جدیدتر خواهند بود و با انگیزه‌ی بیشتر حرکت خواهند کرد؛ در محیط علم، در محیط صنعت، در محیط کارهای گوناگون، در محیط ادارات، در محیط کسب و کار، در محیط تجارت. همه باید تلاش کنند، همه باید کار

کنند.

بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه‌ی حوزه علمیه قم / ۱۳۸۹/۰۸/۰۲

من یقین دارم که این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد، منتها بستگی دارد به اینکه شرایط و واقعیات چگونه پیش برود. عوامل موثر در حوادث، غالبا متنوع است؛ اغلب این حوادث هم از ذهن انسان خارج است، از محاسبات دور است. تنها چیزی که قابل محاسبه است، اینهاست: «ان تنصر الله ينصرک» (۴)؛ «من کان لله کان الله له»، «ولینصرن الله من ینصره» (۵)؛ چون غیبی است و خدای متعال فرموده و «هو اصدق القائلین» است. غیر از این، همه این مطالعات و برنامه ریزی‌ها قابل خدشه است، به خاطر اینکه عوامل موثر در حوادث از محاسبه خارج است. قدرتهای جهانی هم امروز در محاسباتشان همین را میدانند و ملاحظه هم می‌کنند؛ لذا شما میبینید یک چیزهایی را برنامه‌ریزی می‌کنند یا اعلان میکنند، بعد تحقق پیدا نمیکند؛ نه به خاطر این است که پشیمان شده‌اند، برای این است که میبینند نمیشود. حوادثی پیش می‌آید که محاسبه نشده است. بنابراین آن چیزهایی را که عملی است، باید به طور جدی مطرح کرد و دنبال کرد.

بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی / ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

آنچه ما را در اینجا گرد آورده، بیداری اسلامی است؛ یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی‌ای در امت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیامها و انقلاب‌هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه‌ی شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمیگنجد؛ خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آنها را مغلوب و مقهور ساخته است.

شک نیست که تحولات بزرگ اجتماعی، همواره متکی به پشتوانه‌های تاریخی و تمدنی و محصول تراکم معرفتها و تجربه‌ها است. در صدوپنجاه سال اخیر حضور شخصیت‌های فکری و جهادی بزرگ جریان‌ساز اسلامی در مصر و عراق و ایران و هند و کشورهای دیگری از آسیا و آفریقا، پیش‌زمینه‌های وضع کنونی دنیای اسلامند.

بیانات در اجتماع مردم کنگاور / ۱۳۹۰/۰۷/۲۷

دشمنان ملت ایران با انواع تبلیغات سعی میکنند از یک نقطه‌ای، به این صف مستحکم، به این حرکت مستمر، اختلال وارد کنند؛ گاهی اوقات با سیاه‌نمایی، گاهی اوقات با پنهان کردن موفقیت‌های درخشان ملت ایران در دوران انقلاب تا امروز؛ سعیشان این است که بگویند انقلاب نتوانست از عهده بر بیاید. آنچه که آنها را میسوزاند، همین است که ملت ایران با اعتماد به نفسی که به وسیله‌ی انقلاب به دست آورد و با ایمان روشنی که انقلاب به ما داد، توانسته است در مقابل سلطه‌ی مادی و معنوی دشمنان سینه سپر کند و بایستد و مقاومت کند.

بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی / ۱۳۹۰/۱۰/۱۹

امروز جبهه‌ی مقابل ما - که سردمدار آن جبهه هم آمریکا و صهیونیست‌ها هستند - به تمام طریقی که میتواند است متوسل و متشبث بشود، متشبث شده؛ از تمام راه‌ها که میتواند برای مقابله‌ی با ملت ایران بهره‌گیری کند، بهره‌گیری کرده است، برای اینکه بتواند این دو عامل، یعنی عامل تقویت‌کننده‌ی نظام، و عامل ایستادگی مردم در صحنه را تضعیف کند و از بین ببرد. خودشان هم همین را تصریح میکنند؛ میگویند این تحریم‌هایی که ما بر علیه ایران تصویب و اجرا میکنیم - و با عناد کامل دنبال میکنند - برای این است که مردم را خسته کنیم، مردم از صحنه خارج شوند، مردم به نظام اسلامی پشت کنند. یا این کار صورت بگیرد، یا در اراده‌ی مسئولین رخنه به وجود بیاید؛ مسئولین در محاسبات خودشان تجدیدنظر کنند. تعبیر آنها این است؛ میگویند می‌خواهیم مسئولین جمهوری اسلامی احساس کنند که هزینه‌ی تصمیم‌گیری‌های آنها بالاست. این یعنی رخنه ایجاد کردن در اراده‌ی مسئولین کشور. با همه‌ی توانشان، با همه‌ی ترفندهایی که بلدند، دارند این دو کار را دنبال میکنند. یا در مردم ایجاد تردید کنند و مردم را از نظام جدا کنند، یا در مسئولین ایجاد تردید کنند و مسئولین را وادار کنند که در تصمیم‌های خودشان تجدیدنظر کنند. اشتباه کردند؛ هیچکدام را نمیتوانند انجام دهند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۹۱/۰۵/۰۲

من مایلیم یک مقداری از واقعیت‌های جامعه را مطرح کنم. واقعیت‌هایی وجود دارد که اگر ما این واقعیت‌ها را در محاسبات خودمان نیاوریم، قطعا در قضاوت اشتباه خواهیم کرد؛ در انتخاب راه هم اشتباه خواهیم کرد. این واقعیت‌ها را باید دید. البته هیچکدام از این واقعیت‌هایی که من عرض میکنم، تحلیل نیست؛ همه واقعیت‌های مشهود پیش روی ماست.

من قبلا این را عرض بکنم؛ ما وقتی که می‌خواهیم آرمان‌گرایی همراه با واقع‌بینی داشته باشیم - یعنی واقعیت‌ها را ببینیم، بر اساس واقعیت‌ها حرکت خودمان را تنظیم کنیم - باید توجه کنیم که به لغزش‌هایی که در اینجا ممکن است پیش بیاید، دچار نشویم. لغزشگاه‌هایی وجود دارد. یک لغزشگاه، واقعیت‌پنداری است؛ چیزهایی را که واقعیت ندارد، انسان واقعیت تصور کند. دشمنانی که جبهه‌ای را در مقابل کشور ما، ملت ما، انقلاب ما تشکیل دادند، سعی میکنند واقعیت‌سازی کنند، واقعیت‌نمایی کنند، یک چیزهایی را به عنوان واقعیت‌های مسلم در نظر ما جلوه‌گر کنند؛ در حالی که واقعیت‌ها آنها نیست. باید مواظب باشیم درگیر و دچار واقعیت‌سازی‌های خلاف واقع نشویم. فرض بفرمائید اگر چنانچه ما توان خودمان را بیشتر از واقع بدانیم، یا کمتر از آنچه که واقعیت است، بدانیم، دچار خطا خواهیم شد؛ توان دشمن را هم اگر بیشتر از آنچه که هست، یا کمتر از آنچه که هست، ببینیم، دچار اشتباه محاسبه خواهیم شد. این از آنجائیهایی است که طراحان دشمن وارد میدان میشوند. شما ملاحظه کنید؛ در تبلیغات گسترده‌ی رسانه‌ای دشمنان ما سعی میشود توان داخلی و ملی کشور تحقیر شود و کوچک شمرده شود؛ متقابلا توان دشمن بیش از آنچه که هست، معرفی شود؛ این یکی از لغزشگاه‌هاست. اگر ما از آن مقداری که دشمن باید مورد ملاحظه قرار بگیرد، بیشتر او را محاسبه کردیم و بیشتر از او ترسیدیم، قطعا دچار خطای در محاسبه خواهیم شد؛ راه را عوضی خواهیم رفت؛ این یکی از لغزشگاه‌هاست.

یکی از لغزشگاه‌ها در دیدن واقعیت، برمیگردد به درون خود ما. گاهی دل‌بستگی‌های ما فلج‌کننده است. دل‌بستگی‌های ما موجب میشود که ما یک چیزهایی را واقعیت بپنداریم که واقعیت ندارد؛ در واقع خطائی است که نفس راحت‌طلب ما یا دل‌بسته‌ی ما به مسائل مادی، بر ما تحمیل میکند؛ در حالی که واقعیت ندارد.

یکی از این لغزشگاه‌ها این است که انسان تصور کند دست یافتن به آرمانها بدون هزینه امکان‌پذیر است. ما در دوران مبارزات هم میدیدیم؛ بعضیها بودند که اهداف مبارزات را قبول داشتند، اما حاضر نبودند در راه این مبارزات هزینه‌ای بدهند، قدمی بردارند. امروز چنین کسانی هم هستند؛ تصور میکنند که باید به هدفها رسید، بدون دادن هزینه؛ لذا آنجائی که پای هزینه دادن در میان است، عقب میکشند. این عقب‌کشیدن‌ها در بسیاری از موارد موجب میشود که انسان در محاسبه اشتباه کند؛ خطی را که باید در مقابل دشمن دنبال کند، دنبال نکند.

یک لغزش دیگر این است که ما بخشی از واقعیت‌ها را ببینیم، بخش دیگری از واقعیت‌ها را نبینیم؛ این هم موجب خطاست؛ خطای در محاسبه را به دنبال خواهد داشت. واقعیت‌ها را باید با هم دید و دانست.

حالا من یک تعدادی از این واقعیت‌ها را میگویم. مدعی نیستیم که همه‌ی واقعیت‌های کشور را در اینجا بیان خواهیم کرد؛ لیکن یک مدخلی است، میتواند چشم ما را به سوی واقعیت‌های گوناگون باز کند. ما در چه وضعی هستیم؟ کجا قرار داریم؟ چه داریم؟ چه نداریم؟ ملاحظه‌ی این واقعیت‌ها، با قضاوتی که بنده در این مسئله پیش

خودم دارم، بسیار امیدبخش است. وقتی ما واقعیتها را کنار هم میگذاریم، اینها را ملاحظه میکنیم؛ احساس میکنیم که راه ملت ایران به سوی آرمانهای بلند، یک راه گشوده است. این راه، چالش دارد؛ اما راه باز است، بن‌بست وجود ندارد. هدف جبهه مخالف نظام اسلامی و انقلاب اسلامی و دشمن ما این است که راه را بن‌بست نشان بدهد. خودشان هم میگویند ما بایستی این کارها را بکنیم، این فشارها را وارد کنیم، این محاصره را بکنیم، این تحریم را بکنیم، تا مسئولان جمهوری اسلامی در محاسبات خودشان تجدینظر کنند. من عرض میکنم؛ ملاحظه‌ی واقعیتها نه فقط موجب میشود ما در محاسبات گذشته‌مان تجدینظر نکنیم، بلکه ما را به درستی راهی که پیمودیم و راهی که انقلاب جلوی ما گذاشته، مطمئن‌تر میکند.

بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

یکی از لغزشگاه‌ها در دیدن واقعیت، برمگردد به درون خود ما. گاهی دل‌بستگی‌های ما فلج‌کننده است. دل‌بستگی‌های ما موجب میشود که ما یک چیزهایی را واقعیت بیندازیم که واقعیت ندارد؛ در واقع خطائی است که نفس راحت‌طلب ما یا دل‌بسته‌ی ما به مسائل مادی، بر ما تحمیل میکند؛ در حالی که واقعیت ندارد. یکی از این لغزشگاه‌ها این است که انسان تصور کند دست یافتن به آرمانها بدون هزینه امکان‌پذیر است. ما در دوران مبارزات هم میدیدیم؛ بعضی‌ها بودند که اهداف مبارزات را قبول داشتند، اما حاضر نبودند در راه این مبارزات هزینه‌ای بدهند، قدمی بردارند. امروز چنین کسانی هم هستند؛ تصور میکنند که باید به هدفها رسید، بدون دادن هزینه؛ لذا آنجائی که پای هزینه دادن در میان است، عقب میکشند. این عقب‌کشیدن‌ها در بسیاری از موارد موجب میشود که انسان در محاسبه اشتباه کند؛ خطی را که باید در مقابل دشمن دنبال کند، دنبال نکند. یک لغزش دیگر این است که ما بخشی از واقعیتها را بینیم، بخش دیگری از واقعیتها را نبینیم؛ این هم موجب خطاست؛ خطای در محاسبه را به دنبال خواهد داشت. واقعیتها را باید با هم دید و دانست.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

حالا مدت‌هایی است که دشمنان ما این حرفها را میگویند و به زبان می‌آورند. میگویند میخواهیم ملت ایران - حالا آنها میگویند مسئولین، اما در واقع ملت ایران مورد نظرشان است - محاسباتش عوض شود. ما با یک محاسبه‌ای، یک راهی را انتخاب کردیم. انقلاب اسلامی آمد تحولات عمده‌ای را در این کشور به وجود آورد؛ سلطنت را تبدیل کرد به حکومت مردم، مردم‌سالاری؛ وابستگی را تبدیل کرد به استقلال؛ عقب‌ماندگی تاریخی مزم را تبدیل کرد به پیشرفت - که دارید ببینید - تحقیرشدگی را تبدیل کرد به اعتماد به نفس و احساس عزت؛ اینها کارهای انقلاب بوده. خوب، دشمن ما، یعنی آن دستگاه مقتدر مادی که تا قبل از انقلاب بر اقتصاد این کشور و سیاست این کشور و فرهنگ این کشور و منابع این کشور و تصمیم‌های مسئولان این کشور مسلط بوده، از این وضع ناراحت است؛ میخواهد این را عوض کند؛ چه کار کند؟ برای او تنها راه، منحصر در این است که ملت ایران و مسئولین ایران در نهایت به یک محاسبه‌ای برسند که احساس کنند ادامه‌ی این راه به صرفشان نیست. دشمن میخواهد این محاسبه را بر ذهن شما تحمیل کند؛ میخواهد من و شما به این نتیجه برسیم که صلاح نیست در مقابل آمریکا، در مقابل استخبارات، در مقابل دستگاه‌های سیاسی تابع کارتل‌های گوناگون اقتصادی، خیلی هم بایستیم و خیلی هم مقاومت کنیم؛ از بعضی از حرفها باید دست بکشیم؛ کمابینه گفتند.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

ما عرض کردیم افسران جوان جنگ نرم. اعتقاد من این است - این هیچ تعارف نیست - که در این میدان، شماها افسرید؛ سرباز صفر نیستید. شما جوانید، میدان مبارزه‌ی شما هم میدان جنگ نرم است. امروز خوشیختانه جنگ نظامی نداریم؛ اگر یک وقتی جنگ نظامی هم پیش بیاید، باز پیشقراولهایش جوانانید. امروز جنگ نرم مطرح است؛ نه امروز، سالی سال است مطرح است. در جنگ نرم، آن چیزی که باید مورد توجه باشد، این است؛ در جنگ نرم و جنگ روانی - که جنگ روانی یکی از بخشهای جنگ نرم است - هدف دشمن این است که محاسبات طرف مقابل را عوض کند. جنگ نرم مثل جنگ نظامی نیست. در جنگ نظامی هدف دشمن این است که مثلا، بیاید پایگاه طرف مقابل یا کشور مورد حمله را نابود کند و از بین ببرد، یا سرزمین را تصرف کند. در جنگ اقتصادی هدف این است که زیرساختهای اقتصادی را از بین ببرد. در جنگ نرم، هدف این چیزها نیست؛ این چیزها گاهی وسیله است برای آن هدف جنگ نرم. در جنگ نرم، هدف آن چیزی است که در دل شماست، در ذهن شماست، در مغز شماست؛ یعنی اراده‌ی شما. دشمن میخواهد اراده‌ی شما را عوض کند. البته اینها حرفهای پنهان نیست. اوائل این حرفها را نمیگفتند، اما حالا مدت‌هایی است که دشمنان ما این حرفها را میگویند و به زبان می‌آورند. میگویند میخواهیم ملت ایران - حالا آنها میگویند مسئولین، اما در واقع ملت ایران مورد نظرشان است - محاسباتش عوض شود. ما با یک محاسبه‌ای، یک راهی را انتخاب کردیم. انقلاب اسلامی آمد تحولات عمده‌ای را در این کشور به وجود آورد؛ سلطنت را تبدیل کرد به حکومت مردم، مردم‌سالاری؛ وابستگی را تبدیل کرد به استقلال؛ عقب‌ماندگی تاریخی مزم را تبدیل کرد به پیشرفت - که دارید ببینید - تحقیرشدگی را تبدیل کرد به اعتماد به نفس و احساس عزت؛ اینها کارهای انقلاب بوده. خوب، دشمن ما، یعنی آن دستگاه مقتدر مادی که تا قبل از انقلاب بر اقتصاد این کشور و سیاست این کشور و فرهنگ این کشور و منابع این کشور و تصمیم‌های مسئولان این کشور مسلط بوده، از این وضع ناراحت است؛ میخواهد این را عوض کند؛ چه کار کند؟ برای او تنها راه، منحصر در این است که ملت ایران و مسئولین ایران در نهایت به یک محاسبه‌ای برسند که احساس کنند ادامه‌ی این راه به صرفشان نیست. دشمن میخواهد این محاسبه را بر ذهن شما تحمیل کند؛ میخواهد من و شما به این نتیجه برسیم که صلاح نیست در مقابل آمریکا، در مقابل استخبارات، در مقابل دستگاه‌های سیاسی تابع کارتل‌های گوناگون اقتصادی، خیلی هم بایستیم و خیلی هم مقاومت کنیم؛ از بعضی از حرفها باید دست بکشیم؛ کمابینه گفتند دیگر. در یک برهه‌ای کسانی گفتند آقا ول کنید قضیه‌ی اسرائیل را، ول کنید قضیه‌ی فلسطین را، ول کنید قضیه‌ی عدالت در سطح جهانی و حمایت از ملتهای عدالت‌خواه را، رها کنید این حرفها را؛ چه کار دارید؟ به خودتان بچسبید. این همان تغییر محاسبات است. دشمن این را میخواهد. در مقابل این، افسر جنگ نرم باید مقاومت کند. چگونه مقاومت کند؟

بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور / ۱۳۹۲/۰۲/۰۷

مسئله‌ی انتخابات، مسئله‌ی مهمی است. عرصه‌ی انتخابات، عرصه‌ی ظهور قدرت ملی در یک کشور است. ملتی که زنده است، بانشاط است، متکی به اراده‌ی الهی است، مطمئن به پشتیبانی الهی است، این ملت در همه‌ی عرصه‌ها پیروز خواهد شد؛ در این عرصه هم همین جور است. ما عرض کردیم سلائق مختلف و هر کسی که احساس میکند توانائی دارد، بیاید وسط میدان؛ توده‌ی مردم و جمعیت عظیم ده‌ها میلیونی ملت هم ان‌شاءالله وارد میدان خواهند شد؛ اما در محاسبه، آن کسانی که داوطلب میشوند، اشتباه نکنند؛ بدانند مدیریت اجرایی کشور یعنی چه. نه در ارزیابی نیازی که کشور به یک قدرت اجرایی دارد، اشتباه کنند، نه در ارزیابی توان خودشان اشتباه کنند. اگر چنانچه ارزیابی درستی انجام دادند، بیایند توی میدان؛ ملت هم نگاه میکند، انتخاب میکند.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۱۳۹۲/۰۶/۲۶

یک استدلال دیگر این است که ما داریم با منطق پیش میرویم، با محاسبه‌ی علمی پیش میرویم؛ طرف مقابل ما دچار ضعفهای روزافزون و تناقضهای درونی است به‌خاطر غلط فاحش بودن ساخت درونی آن تمدن؛ آنها دارند عقب‌نشینی میکنند - البته لازم نیست به این عقب‌نشینی اعتراف کرده باشند یا به طور محسوس و واضحی در حرفهای آنها دیده بشود - واقع قضیه این است، حقیقت قضیه این است. وقتی یک ملتی با محاسبه‌ی درست، با پیداکردن نقطه‌ی صحیح کار، کار را پیش میبرد، قطعا به نتایج مطلوب خواهد رسید.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

تأثیر شیطان در دستگاه محاسبه ما، از راه تهدید و تطمیع است؛ از یک طرف ما را میترساند: آیة شریفه قرآن در سوره مبارکه آل عمران [میفرماید]: انما ذلکم الشیطن یخوف اولیاءه فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مومنین. (۱) در قضیه غزه‌ای که بعد از احد اتفاق افتاد - که آمدند شایعه کردند که دشمن آمد، پدران درآمد، همه چیزتان از دست رفت - پیغمبر فرمود: آن کسانی که امروز در جنگ احد زخمی شدند، همانها شمشیر بردارند و بیایند؛ اگر هیچکدامتان هم نیاید، من تنها خواهم رفت. پیغمبر اکرم راه افتاد، کسانی که آن روز در احد زخمی شده بودند، شمشیر برداشتند با پیغمبر راه افتادند رفتند و دشمن را که در نزدیک مدینه - [خبر] درست بود - کمین کرده بود و قصد داشت که حمله کند به‌صورت غافلگیرکننده، تارومار کردند و برگشتند. فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سو: (۲) بعد میفرماید که: انما ذلکم الشیطن یخوف اولیاءه. یکی از کارهای شیطان ترساندن است: الشیطن یدکم الفقر؛ (۳) شما را از فقر میترساند - بنابر یک احتمال در معنای این آیة شریفه - این تهدید بود، از طرف دیگر تطمیع است؛ از سوی دیگر وعده می‌دهد شیطان، وعده‌های فریبنده؛ اینجا هم آیة شریفه قرآن میفرماید: یدعهم و یمنیهم و ما یدعهم الشیطن الا غرورا؛ (۴) وعده می‌دهد، آرزوها را در دل آنها بیدار میکند، زنده میکند، یک آینده رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مومنین به‌خود می‌گذارد؛ و ما یدعهم الشیطن الا غرورا؛ اما فریب است. از یک طرف تهدید، از یک طرف تطمیع؛ مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد و قدرتهای استکباری همیشه [دارند]؛ از یک طرف تهدید میکنند، از یک طرف تطمیع میکنند. تطمیع، فقط تطمیع شخصی نیست؛ تطمیع‌های کلی: «چنین میکنیم، چنان میکنیم»؛ بعد هم نمیکنند، دروغ میگویند؛ کار شیطان این است. همه‌ی این کارهایی که شیطان انجام میدهد - این اغوا، این تهدید و تطمیع - برای این است که دستگاه محاسباتی انسان مومن را از کار بیندازد تا محاسبه غلط انجام بدهد؛ وقتی دستگاه محاسباتی از کار افتاد، کار خراب میشود. محاسبه غلط، یکی از بزرگ‌ترین خطرهای است؛ گاهی حیات انسان را تهدید میکند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید میکند؛ چون توان انسان، نیروی انسان، توانایی‌های انسان، تحت سرپنجه اراده او است، و اراده‌ی انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی او است؛ اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده‌ی انسان تصمیمی میگیرد و در جهتی می‌رود که خطا است؛ آنوقت نیروهای انسان، همه‌ی توانایی‌های انسان در این جهت خطا به کار می‌افتد؛ این آن چیزی است که باید مراقب آن باشید.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

آنچه ما امروز در مجموعه رفتار دستگاه استکبار مشاهده میکنیم، همین است؛ هدف ایجاد اختلال در نظام محاسباتی و دستگاه محاسباتی من و شما است. در میدانهای دیگر، استکبار نتوانسته است، کاری از او برنیامده است. در میدانهای واقعی، تنها دو عامل مادی در اختیار جبهه‌ی استکبار بوده و هست: یکی تهدید نظامی، یکی تحریم. .. این دو هم علاج دارد. تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد. ... اما مسئله‌ی تهدید نظامی؛ امروز در دنیا کمتر کسی است که تهدید نظامی را جدی بگیرد؛ حالا آمریکایی‌ها میگویند ایرانی‌ها جدی نمیگیرند؛ ما فقط نیستیم که جدی نمیگیریم؛ در دنیا خیلی‌ها هستند که این تهدید را جدی نمیگیرند. ناظران جهانی خیلی باور ندارند که این تهدید، تهدید جدی است؛ چون تشخیص ناظران جهانی و آگاهان به سیاست این است که اگر حمله‌ی نظامی برای آمریکا مقرون به صرفه بود، یک لحظه تأمل نمی‌کرد. ... خب، بنابراین هم در زمینه تحریم، هم در زمینه تهدید نظامی، دست دشمن خالی است؛ و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مومنین؛ (۱) اگر ما [مومن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری نمیتواند بکند. خب، حالا که کاری در میدان واقعی نمیتواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه‌ی طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماسهای گوناگون دنبال میکنند؛ میدانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدفهای خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، میتواند؛ میخواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در راس آنها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره‌ی آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

آنچه من میخواهم در این بخش از عرایض - که عمده‌ی حرف من هم همین است - عرض بکنم، این است که ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد؛ نگذارید اغوا کند؛ نگذارید تطمیع او یا تهدید او اثر بگذارد. امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد - همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمانهای بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه‌ی اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیاطینی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک‌چنین حرکتی مخالفتند. [بنابراین] کارشکنی میکنند، اذیت میکنند، تهدید میکنند؛ در عین حال با همه‌ی زرق و برقی که آن جبهه‌ی مقابل دارد و جلال ظاهری و توانایی‌های مادی‌ای که دارد، این حرکت الهی و حرکت پیامبرانه راه خودش را دارد ادامه میدهد و پیش میرود، اثر میگذارد، روزبه‌روز توسعه پیدا میکند، روزبه‌روز عمق پیدا میکند.

آنچه ما امروز در مجموعه رفتار دستگاه استکبار مشاهده میکنیم، همین است؛ هدف ایجاد اختلال در نظام محاسباتی و دستگاه محاسباتی من و شما است. در میدانهای دیگر، استکبار نتوانسته است، کاری از او برنیامده است. در میدانهای واقعی، تنها دو عامل مادی در اختیار جبهه‌ی استکبار بوده و هست: یکی تهدید نظامی، یکی تحریم. استکبار غیر از این دو هیچ چیز در اختیار ندارد. از لحاظ قدرت منطق، قدرت استدلال، توانایی بر اثبات حقانیت، دست استکبار بسته است. تنها دو کار میتواند بکند: یکی تهدید نظامی است که مرتب میکند، یکی هم تحریم؛ این دو هم علاج دارد. تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد. این نکته‌ای که امروز رئیس جمهور محترم گفتند؛ قبلاً هم ایشان گفته بودند و این نکته‌ی کاملاً درستی است: برنامه‌های اقتصادی براساس و با فرض ماندن تحریمها بایستی برنامه‌ریزی بشود و تعقیب بشود و تحقق پیدا بکند. فرض کنیم که این تحریمها ذره‌ای و سر سوزنی کم نخواهد شد؛ که حالا خود آنها هم همین را میگویند. آنها هم میگویند که تحریمها دست نخواهد خورد، حتی از حالا. شروع کردند که اگر در زمینه‌ی هسته‌ای هم به توافق برسیم، معنای آن این نیست که همه‌ی تحریمها برداشته خواهد شد؛ هنوز چیزهای دیگری هم هست؛ این همان حرفی است که ما همیشه میگفتیم.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

هم در زمینه‌ی تحریم، هم در زمینه‌ی تهدید نظامی، دست دشمن خالی است؛ و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مومنین؛ (۲۷) اگر ما [مومن باشیم]، دشمن در میدان واقعی کاری نمیتواند بکند. خب، حالا که کاری در میدان واقعی نمیتواند انجام بدهد و دستش از تأثیرگذاری خالی است، راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه‌ی طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تماسهای گوناگون دنبال میکنند؛ میدانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدفهای خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، میتواند؛ میخواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در راس آنها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره‌ی آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند.

محاسبات ما را نمیتواند عوض کند؛ محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول براساس منطق عقلانی بوده است؛ براساس یک قوه‌ی عاقله‌ای بوده است. عناصری که این محاسبات را شکل میداده اینها است؛ اول، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوم، بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او. از جمله‌ی موارد اعتماد به خدا و سنن آفرینش، اعتماد به مردم است؛ اعتماد به ایمانها است؛ اعتماد به محبتها است؛ اعتماد به انگیزه‌های صادقانه است؛ اعتماد به صدق مردم است - که امام بزرگوار ما مظهر این اعتماد بود - اعتقاد به خودباوری و اینکه «ما میتوانیم»؛ تکیه به عمل و پرهیز از بیکارگی؛ اعتماد به نصرت الهی؛ تکیه به تکلیف و مجاهدت در راه

تکلیف؛ اینها آن چیزهایی است که از روز اول تا امروز مجموعه‌ی عناصر قوه‌ی عقلانی نظام اسلامی را - که پایه و زیربنای حرکت او بود - شکل داده است؛ بیانات امام را مراجعه کنید؛ فرمایشات امام مملو و مشحون از همین معارف و معانی است؛ بهره‌گیری از تجربه‌ها، تجربه‌ی رفتار قدرتهای مستکبر با ملت‌های زبردست؛ مجاهدت برای استقلال، مستقل ماندن، مستقل زیستن. استقلال یعنی چه - حالا بعضی‌ها در اصل مفهوم استقلال خدشه میکنند که یعنی چه استقلال - استقلال یعنی آزادی از اراده‌ی بیگانگان و اراده‌ی دیگران؛ این معنای استقلال است؛ این را هیچ عقلی میتواند انکار کند؟ معنای استقلال این است که یک ملتی سرنوشت خودش را خودش تعیین کند. این کشور سال‌های متمادی دچار استقلال نبود؛ استقلال ظاهری سیاسی بود، اما مغزافزار این نظام و این کشور دست دیگران بود؛ آنها بودند که تصمیم میگرفتند؛ آنها بودند که کار میکردند؛ افرادی هم در داخل بودند، بعضی دلبسته‌ی آنها، بعضی هم نه‌چندان دلبسته، اما مجبور و ناگزیر دنبال آنها راه می‌افتادند. استقلال، ایستادگی در مقابل یک چنین حالتی است.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

کار شیطان اغوا کردن است؛ اغوا یعنی چه؟ یعنی ایجاد اختلال در دستگاه محاسبه‌ی شما - شیطان این است دیگر - نقطه‌ی مقابل، کارکرد تقوا است؛ سعی شیطان این است که شما را اغوا کند، یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند. کار تقوا نقطه‌ی مقابل است: ان تقوا الله يجعل لکم فرقانا، (۱۱) تقوا به شما فرقان، یعنی آگاهی برای جدا کردن حق از باطل را میدهد. در آیه‌ی شریفه‌ی دیگر [میفرماید]: و اتقوا الله و يعلمکم الله؛ (۱۲) تقوا موجب این است که خدای متعال دریچه‌های دانش را، آگاهی را، دانایی را به روی شما باز کند.

تأثیر شیطان در دستگاه محاسبه‌ی ما، از راه تهدید و تطمیع است؛ از یک طرف ما را می‌ترساند؛ آیه‌ی شریفه‌ی قرآن در سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران [میفرماید]: انما ذلکم الشیطن یخوف اولیاءه فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مومنین. (۱۳) در قضیه‌ی غزوه‌ای که بعد از احد اتفاق افتاد - که آمدند شایعه کردند که دشمن آمد، پدران درآمد، همه چیزتان از دست رفت - پیغمبر فرمود: آن کسانی که امروز در جنگ احد زخمی شدند، همانها شمشیر بردارند و بیایند؛ اگر هیچکدامان هم نیابید، من تنها خواهم رفت. پیغمبر اکرم راه افتاد، کسانی که آن روز در احد زخمی شده بودند، شمشیر برداشتند با پیغمبر راه افتادند رفتند و دشمن را که در نزدیک مدینه - [خبر] درست بود - کمین کرده بود و قصد داشت که حمله کند به‌صورت غافلگیرکننده، تارومار کردند و برگشتند. فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سو؛ (۱۴) بعد میفرماید که: انما ذلکم الشیطن یخوف اولیاءه. (۱۵) یکی از کارهای شیطان ترساندن است؛ الشیطن یدکم الفقر؛ (۱۶) شما را از فقر می‌ترساند - بنا بر یک احتمال در معنای این آیه‌ی شریفه - این تهدید بود، از طرف دیگر تطمیع است؛ از سوی دیگر وعده میدهد شیطان، وعده‌های فریبنده؛ اینجا هم آیه‌ی شریفه‌ی قرآن میفرماید: یدهم و یمنیهم و ما یدهم الشیطن الا غرورا؛ (۱۷) وعده میدهد، آرزوها را در دل آنها بیدار میکند، زنده میکند، یک آینده‌ی رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مومنین به‌خود میگذارد؛ و ما یدهم الشیطن الا غرورا؛ (۱۸) اما فریب است. از یک طرف تهدید، از یک طرف تطمیع؛ مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد و قدرتهای استکباری همیشه [دارند]؛ از یک طرف تهدید میکنند، از یک طرف تطمیع میکنند. تطمیع، فقط تطمیع شخصی نیست؛ تطمیع‌های کلی: «چنین میکنیم، چنان میکنیم»؛ بعد هم نمیکنند، دروغ میگویند؛ کار شیطان این است. همه‌ی این کارهایی که شیطان انجام میدهد - این اغوا، این تهدید و تطمیع - برای این است که دستگاه محاسباتی انسان مومن را از کار بیندازد تا محاسبه‌ی غلط انجام بدهد؛ وقتی دستگاه محاسباتی از کار افتاد، کار خراب میشود. محاسبه‌ی غلط، یکی از بزرگ‌ترین خطرهای است؛ گاهی حیات انسان را تهدید میکند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید میکند؛ چون توان انسان، نیروی انسان، توانایی‌های انسان، تحت سربنجه‌ی اراده‌ی او است، و اراده‌ی انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی او است؛ اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده‌ی انسان تصمیمی میگیرد و در جهتی می‌رود که خطا است؛ آنوقت نیروهای انسان، همه‌ی توانایی‌های انسان در این جهت خطا به کار می‌افتد؛ این آن چیزی است که باید مراقب آن باشید. عرض کردیم، مراقبت در مورد شخصی که مسئولیت ندارد به یک معنا است، مراقبت در مورد من و شما که حوزه‌ی مسئولیتی داریم، به یک معنای دیگر است. مراقب باشیم که دستگاه محاسبه‌ی ما به‌وسیله‌ی شیطان‌های انس و جن دچار اختلال نشود، مسائل را بد نفهمیم. شیطان که فقط شیطان جنی نیست؛ ابلیس که فقط نیست؛ جعلنا لکل نبی عدوا شیطن الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا؛ (۱۹) شیاطین انس و جن به هم کمک هم میکنند. من همین‌جا تاکید کنم؛ یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفا مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنتهای الهی را، سنتهایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمیشود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است. خداوند فرموده است: ان تنصروا الله ینصرکم و یتبث اقدامکم، (۲۰) دیگر از این واضح‌تر؟ اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد؛ این سنت الهی است، این غیر قابل تغییر است؛ و لن تجد لسنة الله تبدیلا؛ (۲۱) اگر در راه احیای دین الهی حرکت کردید و این جهت را رعایت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد.

بیانات در دیدار مسئولان نظام / ۱۳۹۳/۰۴/۱۶

کار شیطان اغوا کردن است؛ اغوا یعنی چه؟ یعنی ایجاد اختلال در دستگاه محاسبه‌ی شما - شیطان این است دیگر - نقطه‌ی مقابل، کارکرد تقوا است؛ سعی شیطان این است که شما را اغوا کند، یعنی دستگاه عقل را، دستگاه فطرت را، دستگاه سنجش صحیح را که در وجود انسان گذاشته شده است، از کار بیندازد؛ یعنی انسان را دچار خطای در محاسبه کند. کار تقوا نقطه‌ی مقابل است: ان تقوا الله يجعل لکم فرقانا، تقوا به شما فرقان، یعنی آگاهی برای جدا کردن حق از باطل را میدهد. در آیه‌ی شریفه‌ی دیگر [میفرماید]: و اتقوا الله و يعلمکم الله؛ تقوا موجب این است که خدای متعال دریچه‌های دانش را، آگاهی را، دانایی را به روی شما باز کند.

تأثیر شیطان در دستگاه محاسبه‌ی ما، از راه تهدید و تطمیع است؛ از یک طرف ما را می‌ترساند؛ آیه‌ی شریفه‌ی قرآن در سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران [میفرماید]: انما ذلکم الشیطن یخوف اولیاءه فلا تخافوهم و خافون ان کنتم مومنین. در قضیه‌ی غزوه‌ای که بعد از احد اتفاق افتاد - که آمدند شایعه کردند که دشمن آمد، پدران درآمد، همه چیزتان از دست رفت - پیغمبر فرمود: آن کسانی که امروز در جنگ احد زخمی شدند، همانها شمشیر بردارند و بیایند؛ اگر هیچکدامان هم نیابید، من تنها خواهم رفت. پیغمبر اکرم راه افتاد، کسانی که آن روز در احد زخمی شده بودند، شمشیر برداشتند با پیغمبر راه افتادند رفتند و دشمن را که در نزدیک مدینه - [خبر] درست بود - کمین کرده بود و قصد داشت که حمله کند به‌صورت غافلگیرکننده، تارومار کردند و برگشتند. فانقلبوا بنعمه من الله و فضل لم یمسسهم سو؛ بعد میفرماید که: انما ذلکم الشیطن یخوف اولیاءه. یکی از کارهای شیطان ترساندن است؛ الشیطن یدکم الفقر؛ شما را از فقر می‌ترساند - بنا بر یک احتمال در معنای این آیه‌ی شریفه - این تهدید بود، از طرف دیگر تطمیع است؛ از سوی دیگر وعده میدهد شیطان، وعده‌های فریبنده؛ اینجا هم آیه‌ی شریفه‌ی قرآن میفرماید: یدهم و یمنیهم و ما یدهم الشیطن الا غرورا؛ وعده میدهد، آرزوها را در دل آنها بیدار میکند، زنده میکند، یک آینده‌ی رنگی و دروغین و خیالی مثل سراب در مقابل چشم مومنین به‌خود میگذارد؛ و ما یدهم الشیطن الا غرورا؛ اما فریب است. از یک طرف تهدید، از یک طرف تطمیع؛ مثل رفتاری که امروز آمریکا دارد و قدرتهای استکباری همیشه [دارند]؛ از یک طرف تهدید میکنند، از یک طرف تطمیع میکنند. تطمیع، فقط تطمیع شخصی نیست؛ تطمیع‌های کلی: «چنین میکنیم، چنان میکنیم»؛ بعد هم نمیکنند، دروغ میگویند؛ کار شیطان این است. همه‌ی این کارهایی که شیطان انجام میدهد - این اغوا، این تهدید و تطمیع - برای این است که دستگاه محاسباتی انسان مومن را از کار بیندازد تا محاسبه‌ی غلط انجام بدهد؛ وقتی دستگاه محاسباتی از کار افتاد، کار خراب میشود. محاسبه‌ی غلط، یکی از بزرگ‌ترین خطرهای است؛ گاهی حیات انسان را تهدید میکند؛ گاهی سرنوشت انسان را تهدید میکند؛ چون توان انسان، نیروی انسان، توانایی‌های انسان، تحت سربنجه‌ی اراده‌ی او است، و اراده‌ی انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی او است؛ اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده‌ی انسان تصمیمی میگیرد و در جهتی می‌رود که خطا است؛ آنوقت نیروهای انسان، همه‌ی توانایی‌های انسان در این جهت خطا به کار می‌افتد؛ این آن چیزی است که باید مراقب آن باشید. عرض کردیم، مراقبت در مورد شخصی که مسئولیت ندارد به یک معنا است، مراقبت در مورد من و شما که حوزه‌ی مسئولیتی داریم، به یک معنای دیگر است. مراقب باشیم که

دستگاه محاسباتی ما به‌وسیله شیطانهای انس و جن دچار اختلال نشود، مسائل را بد نفهمیم. شیطان که فقط شیطان جنی نیست؛ ابلیس که فقط نیست؛ جعلنا لكل نبی عدوا شیطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا؛ شیاطین انس و جن به هم کمک هم میکنند. من همین‌جا تاکید کنم: یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفا مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنتهای الهی را، سنتهایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمی‌شود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است. خداوند فرموده است: ان تنصروا الله ینصرکم و ینتصرونکم، دیگر از این واضح‌تر؟ اگر شما در راه خدا حرکت کنید، دین خدا را نصرت کنید، خدا شما را نصرت خواهد داد؛ این سنت الهی است، این غیر قابل تغییر است؛ و لن تجد لسنة الله تبديلا؛ اگر در راه احیای دین الهی حرکت کردید و این جهت را رعایت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد. این را قرآن گفته است، با این صراحت که وعده‌ی الهی است؛ ما هم در عمل آن را تجربه کرده‌ایم.

.....

آنچه من می‌خواهم در این بخش از عرایض - که عمده‌ی حرف من هم همین است - عرض بکنم، این است که ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد؛ نگذارید اغوا کند؛ نگذارید تطمیع او یا تهدید او اثر بگذارد. امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد - همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمانهای بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه‌ی اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک‌چنین حرکتی مخالفند. [بنابراین] کارشکنی میکنند، اذیت میکنند، تهدید میکنند؛ در عین حال با همه‌ی زرق و برقی که آن جبهه‌ی مقابل دارد و جلال ظاهری و توانایی‌های مادی‌ای که دارد، این حرکت الهی و حرکت پیامبرانه راه خودش را دارد ادامه میدهد و پیش میرود، اثر می‌گذارد، روزبه‌روز توسعه پیدا میکند، روزبه‌روز عمق پیدا میکند.

آنچه ما امروز در مجموعه‌ی رفتار دستگاه استکبار مشاهده میکنیم، همین است؛ هدف ایجاد اختلال در نظام محاسباتی و دستگاه محاسباتی من و شما است. در میدانهای دیگر، استکبار توانسته است، کاری از او برنیامده است. در میدانهای واقعی، تنها دو عامل مادی در اختیار جبهه‌ی استکبار بوده و هست؛ یکی تهدید نظامی، یکی تحریم. استکبار غیر از این دو هیچ چیز در اختیار ندارد. از لحاظ قدرت منطقی، قدرت استدلال، توانایی بر اثبات حقایق، دست استکبار بسته است. تنها دو کار میتواند بکند؛ یکی تهدید نظامی است که مرتب میکند، یکی هم تحریم؛ این دو هم علاج دارد. تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتیابستی خنثی کرد. این نکته‌ای که امروز رئیس جمهور محترم گفتند؛ قبلاً هم ایشان گفته بودند و این نکته‌ی کاملاً درستی است: برنامه‌های اقتصادی براساس و با فرض ماندن تحریمها بایستی برنامه‌ریزی بشود و تعقیب بشود و تحقق پیدا بکند. فرض کنیم که این تحریمها ذره‌ای و سر سوزنی کم نخواهد شد؛ که حالا خود آنها هم همین را میگویند. آنها هم میگویند که تحریمها دست نخواهد خورد، حتی از حالا. شروع کردند که اگر در زمینه‌ی هسته‌ای هم به توافق برسیم، معنای آن این نیست که همه‌ی تحریمها برداشته خواهد شد؛ هنوز چیزهای دیگری هم هست؛ این همان حرفی است که ما همیشه میگفتیم. من بارها در همین جلسه و جلسات گوناگون دیگر عرض کرده‌ام که [موضوع] هسته‌ای بهانه است؛ مسئله‌ی هسته‌ای هم نباشد، یک بهانه‌ی دیگری می‌آورند؛ مسئله‌ی حقوق بشر هست، مسئله‌ی حقوق زنان هست، مسائل گوناگون فراوان را می‌سازند؛ جعل کردن و بهانه‌گیری که خیلی مایه‌ای نمی‌خواهد، دستگاه تبلیغاتی و امپراتوری تبلیغاتی هم که در اختیار آنها است. بنابراین، علاج مسئله‌ی تحریم، عبارت است از همین اقتصاد مقاومتی؛ که حالا من بعد چند جمله‌ای را در این زمینه عرض خواهم کرد.

.....

راه علاج دشمن چیست؟ راه علاج این است که دستگاه محاسبه‌ی طرف مقابل را دچار اختلال کند؛ دستگاه محاسباتی من و شما را؛ این کار را هم با تبلیغات، با کار سیاسی، با تاسه‌های گوناگون دنبال میکنند؛ میدانند که جمهوری اسلامی برای رسیدن به هدفهای خود دارای توان است؛ باید نخواهد؛ اگر «خواست»، میتواند؛ میخواهند کاری کنند که نخواهد. امروز تلاش دنیای استکبار و در راس آنها آمریکا است و این همان جنگ نرمی است که ما از چند سال قبل از این درباره‌ی آن بحث کردیم، حرف زدیم؛ دیگران هم گفته‌اند و نوشته‌اند و بحث کرده‌اند.

محاسبات ما را نمیتوانند عوض کنند؛ محاسبات جمهوری اسلامی از روز اول براساس منطق عقلانی بوده است؛ براساس یک قوه‌ی عاقله‌ای بوده است. عناصری که این محاسبات را شکل میداده اینها است؛ اول، اعتماد به خدا و سنن آفرینش؛ دوم، بی‌اعتمادی به دشمن و شناخت او. از جمله‌ی موارد اعتماد به خدا و سنن آفرینش، اعتماد به مردم است؛ اعتماد به ایمانها است؛ اعتماد به محبتها است؛ اعتماد به انگیزه‌های صادفانه است؛ اعتماد به صدق مردم است - که امام بزرگوار ما مظهر این اعتماد بود - اعتقاد به خودباوری و اینکه «ما میتوانیم»؛ تکیه به عمل و پرهیز از بیکارگی؛ اعتماد به نصرت الهی؛ تکیه به تکلیف و مجاهدت در راه تکلیف؛ اینها آن چیزهایی است که از روز اول تا امروز مجموعه‌ی عناصر قوه‌ی عقلانی نظام اسلامی را - که پایه و زیربنای حرکت او بود - شکل داده است؛ بیانات امام را مراجعه کنید؛ فرمایشات امام مملو و مشحون از همین معارف و معانی است؛ بهره‌گیری از تجربه‌ها، تجربه‌ی رفتار قدرتهای مستکبر یا ملت‌های زبردست؛ مجاهدت برای استقلال، مستقل ماندن، مستقل زیستن. استقلال یعنی چه - حالا بعضی‌ها در اصل مفهوم استقلال خدشه میکنند که یعنی چه استقلال - استقلال یعنی آزادی از اراده‌ی بیگانگان و اراده‌ی دیگران؛ این معنای استقلال است؛ این را هیچ عقلی میتواند انکار کند؟ معنای استقلال این است که یک ملتی سرنوشت خودش را خودش تعیین کند. این کشور سال‌های متمادی دچار استقلال نبود؛ استقلال ظاهری سیاسی بود، اما مغزافزار این نظام و این کشور دست دیگران بود؛ آنها بودند که تصمیم میگرفتند؛ آنها بودند که کار میکردند؛ افرادی هم در داخل بودند، بعضی دلبسته‌ی آنها، بعضی هم نه‌چندان دلبسته، اما مجبور و ناگزیر دنبال آنها راه می‌افتادند. استقلال، ایستادگی در مقابل یک چنین حالتی است.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

آنچه مهم است این است که ما تحلیل درستی از رفتار امروز غرب داشته باشیم. مواجهه‌ی آنها با جمهوری اسلامی ایران و با انقلاب اسلامی و با حرکت اسلامی و بیداری اسلامی، یک بخشی از سیاستهای کلان آنها است. سیاست کلان نظام سلطه، عبارت است از بردگی ملتها و تسلط بر سرنوشت ملتها بدون اینکه کمترین اعتنایی به مصالح ملتها و خواسته‌ی آنها داشته باشند؛ این سیاست کلان استکبار است؛ به این باید توجه داشت. شعارهای ضد آمریکایی، شعارهای ضد غربی، شعارهای ضد استکبار در کشور ما، ناظر به این حقیقت است. یک عده‌ای بمجرد اینکه شعار ضد غربی یا ضد آمریکایی می‌شنوند، فوراً تصورشان این نباشد که یک کار تعصب‌آمیز یا بدون یک منطق فکری دارد انجام میگردد؛ نه، این نگاه ضد غربی و ضد آمریکایی در انقلاب اسلامی، متکی است به یک تجربه‌ی درست، به یک نگاه عقلانی درست، به یک محاسبه‌ی صحیح. من آن روز اینجا به مجموعه‌ی دست‌اندرکاران و مجریان و کارگزاران کشور گفتم، (V) هدف اساسی دشمن این است که در دستگاه محاسباتی ما اختلال ایجاد بکند. دستگاه محاسباتی وقتی دچار اختلال شد، از داده‌های درست، خروجی‌های غلط به‌دست خواهد آورد؛ یعنی تجربه‌ها هم دیگر به درد او نخواهد خورد. وقتی دستگاه محاسباتی خوب کار نکند، درست کار نکند و محاسبه درست انجام نگرفت، تجربه‌ها هم دیگر به کار نمی‌آید.

خب، شما نگاه کنید در کشور خود ما، برخورد غربی‌ها و دست‌اندرکاران تمدن کنونی غرب در طول این صدسال اخیر، هشتاد نود سال اخیر، با کشور ما چگونه بوده. ما این‌همه تجربه‌ی ضربه زدن از سوی غرب داریم. عده‌ای هستند در کشور - روشنفکران غرب‌گرا، غرب‌زده، دلباخته‌ی غرب - این تجربه‌ها در مقابل چشم آنها است، [اما] از این تجربه‌ها درس نمی‌گیرند.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

یکی از مهم‌ترین خدمات انقلاب اسلامی، احیای عقلانیت صحیح در کشور بود. اینکه شما جوان دانشجو می‌آیید مسائل منطقه را تحلیل میکنید، با نگاه

موشکافانه مسائل را می‌بینید، دشمن را معرفی می‌کنید، حوادث منطقه را تحلیل می‌کنید و می‌ایستید، این نشان دهنده‌ی حیات عقلانی یک کشور است؛ این را انقلاب به ما داد. امروز بعضی‌ها باز دلشان می‌خواهد برگردند به همان شکل سابق. همان جریانهای غرب‌زده - جریانهای که عاشق غربند، ملت را تحقیر می‌کنند، داشته‌ها را تحقیر می‌کنند، فرهنگ و هویت ملی را تحقیر می‌کنند به نفع مسلمان غربی - دلشان می‌خواهد که همانها دوباره بیایند و برای امور کشور، فرهنگ کشور، جهت‌گیری کشور، شاخص معین کنند و معرفی کنند. این عده‌ای که امروز در خارج از کشور، در زیر پرچم همین دشمنان خونی ملت ایران دارند علیه جمهوری اسلامی کار می‌کنند، همین کسانی هستند که واقعا دنبال این هستند که همان غفلت - غفلت محاسباتی - همان اغوای شیطانی که نسبت به عقلانیت این کشور در یک دوره‌ای وجود داشت، همان مجددا حاکم بشود. در مقابل اینها باید ایستاد. حرکت، حرکت صحیح و عقلانی است. آنچه بخصوص در مورد دانشجویها عرض می‌کنم. توصیه می‌کنم دانشجویان عزیز را به اینکه مطالعات خودشان را، هم در زمینه‌های مسائل دینی، هم در زمینه‌ی مسائل گوناگون سیاسی، در کنار کار علمی تقویت کنند. سعی کنید قدرت تحلیل را در خودتان تقویت کنید.

بیانات در دیدار دانشجویان / ۱۳۹۳/۰۵/۰۱

آنچه مهم است این است که ما تحلیل درستی از رفتار امروز غرب داشته باشیم. مواجهه‌ی آنها با جمهوری اسلامی ایران و با انقلاب اسلامی و با حرکت اسلامی و بیداری اسلامی، یک بخشی از سیاستهای کلان آنها است. سیاست کلان نظام سلطه، عبارت است از بردگی ملتها و تسلط بر سرنوشته ملتها بدون اینکه کمترین اعتنایی به مصالح ملتها و خواسته‌ی آنها داشته باشند؛ این سیاست کلان استکبار است؛ به این باید توجه داشت. شعارهای ضد آمریکایی، شعارهای ضد غربی، شعارهای ضد استکبار در کشور ما، ناظر به این حقیقت است. یک عده‌ای بمجرد اینکه شعار ضد غربی یا ضد آمریکایی می‌شنوند، فوراً تصورشان این نباشد که یک کار تعصب‌آمیز یا بدون یک منطق فکری دارد انجام می‌گیرد؛ نه، این نگاه ضد غربی و ضد آمریکایی در انقلاب اسلامی، متکی است به یک تجربه‌ی درست، به یک نگاه عقلانی درست، به یک محاسبه‌ی صحیح. من آن روز اینجا به مجموعه‌ی دست‌اندرکاران و مجریان و کارگزاران کشور گفتم، (V) هدف اساسی دشمن این است که در دستگاه محاسباتی ما اختلال ایجاد بکند. دستگاه محاسباتی وقتی دچار اختلال شد، از داده‌های درست، خروجی‌های غلط به‌دست خواهد آورد؛ یعنی تجربه‌ها هم دیگر به درد او نخواهد خورد. وقتی دستگاه محاسباتی خوب کار نکند، درست کار نکند و محاسبه درست انجام نگیرد، تجربه‌ها هم دیگر به کار نمی‌آید.

خب، شما نگاه کنید در کشور خود ما، برخورد غربی‌ها و دست‌اندرکاران تمدن کنونی غرب در طول این صدسال اخیر، هشتاد نود سال اخیر، با کشور ما چگونه بوده. ما این‌همه تجربه‌ی ضربه زدن از سوی غرب داریم. عده‌ای هستند در کشور - روشنفکران غرب‌گرا، غرب‌زده، دلباخته‌ی غرب - این تجربه‌ها در مقابل چشم آنها است، [اما] از این تجربه‌ها درس نمی‌گیرند. خب، آنها دیدند که غربی‌ها رضاخان را آوردند بر این کشور مسلط کردند و دیکتاتوری عجیب‌وغریب رضاخانی، به‌وسیله‌ی انگلیس‌ها در این کشور برپا شد - آمدند یک عنصر قلد ر بی‌منطق بی‌اعتنای به اصلتهای کشور را بر این کشور مسلط کردند - بعد هم در دهه‌ی ۲۰، همان قدرتها آمدند ایران را اشغال کردند، در واقع به یک معنا بین خودشان تقسیم کردند؛ همانها آمدند نفت را بردند و قراردادهای ظالمانه را بر این کشور تحمیل کردند؛ همانها کودتای بیست‌وهشتم مرداد را راه انداختند و یک دولت ملی را - که با همه‌ی عیوبی که داشت بالاخره برخاسته‌ی از آرا مردم بود - ساقط کردند و نابود کردند؛ همانها نهضت ملی نفت را به انحراف کشاندند و مجددا سلطه‌ی بر منابع طبیعی و مادی ما را به دست گرفتند؛ همانها در یک مدت طولانی، دیکتاتوری محمدرضا را بر این کشور تثبیت کردند و از آن با همه‌ی وجود حمایت کردند؛ در دوران حکومت سی‌وچند ساله‌ی محمدرضا بر کشور، چوب حراج به ثروت مادی و معنوی ما زده شد، پدر این ملت را در آوردند، در فقر نگه داشتند، در جهل نگه داشتند، فساد عمومی در تمام ارکان این کشور به راه انداختند، فرهنگ کشور را، دین مردم را، همه چیز را در واقع از بین بردند، این با پشتیبانی و حمایت همین دولتهای غربی بود؛ در مقابله‌ی با انقلاب ملت ایران و حرکت عظیم ملت ایران، هرچه توانستند کارشکنی کردند؛ از صدام حسین حمایت کردند، دفاع کردند - با اینکه خودشان صدام را هم قبول نداشتند، اما چون صدام در مقابل جمهوری اسلامی بود، هرچه توانستند به صدام کمک کردند - همین غربی‌ها، همین انگلیس، همین آمریکا، همین فرانسه؛ بمب شیمیایی دادند، امکانات گوناگون نظامی در اختیارش گذاشتند؛ خب اینها تجربه‌های ما است. روشنفکر غرب‌زده، چون دستگاه محاسباتی‌اش دستگاه اختلال‌یافته‌ای است، از این تجربه‌ها استفاده نمی‌کند، بهره نمی‌برد، استنتاج درست نمی‌کند.

یکی از مهم‌ترین خدمات انقلاب اسلامی، احیای عقلانیت صحیح در کشور بود. اینکه شما جوان دانشجو می‌آید مسائل منطقه را تحلیل می‌کنید، با نگاه موشکافانه مسائل را می‌بینید، دشمن را معرفی می‌کنید، حوادث منطقه را تحلیل می‌کنید و می‌ایستید، این نشان دهنده‌ی حیات عقلانی یک کشور است؛ این را انقلاب به ما داد. امروز بعضی‌ها باز دلشان می‌خواهد برگردند به همان شکل سابق. همان جریانهای غرب‌زده - جریانهای که عاشق غربند، ملت را تحقیر می‌کنند، داشته‌ها را تحقیر می‌کنند، فرهنگ و هویت ملی را تحقیر می‌کنند به نفع مسلمان غربی - دلشان می‌خواهد که همانها دوباره بیایند و برای امور کشور، فرهنگ کشور، جهت‌گیری کشور، شاخص معین کنند و معرفی کنند. این عده‌ای که امروز در خارج از کشور، در زیر پرچم همین دشمنان خونی ملت ایران دارند علیه جمهوری اسلامی کار می‌کنند، همین کسانی هستند که واقعا دنبال این هستند که همان غفلت - غفلت محاسباتی - همان اغوای شیطانی که نسبت به عقلانیت این کشور در یک دوره‌ای وجود داشت، همان مجددا حاکم بشود. در مقابل اینها باید ایستاد. حرکت، حرکت صحیح و عقلانی است. آنچه بخصوص در مورد دانشجویها عرض می‌کنم. توصیه می‌کنم دانشجویان عزیز را به اینکه مطالعات خودشان را، هم در زمینه‌های مسائل دینی، هم در زمینه‌ی مسائل گوناگون سیاسی، در کنار کار علمی تقویت کنند. سعی کنید قدرت تحلیل را در خودتان تقویت کنید. البته من امروز که نگاه می‌کنم به بیانات دانشجویها، نکات برجسته و خوبی را مشاهده می‌کنم، یعنی واقعا جای خرسندی و شکرگزاری دارد، لکن هرچه می‌توانید در این زمینه بیشتر کار کنید. حالا ما در بحثهای امروز نرسیدیم به بررسی مسائل گوناگون کشور - که حالا این باید بماند برای دیدارهای دیگری که با دانشجویها یا [دیگر] مجموعه‌ها داریم، ان‌شاءالله مطالبی را عرض بکنم - [لکن] دانشجو باید در زمینه‌ی مسائل گوناگون کشور، مسائل اجتماعی، مسائل اقتصادی، مسائل سیاسی، تحلیل در اختیار مردم بگذارد؛ یعنی مردم بایستی بتوانند از تحلیل دانشجویان بهره‌مند بشوند، استفاده کنند؛ قدرت تحلیل دانشجو باید این [طور] باشد. این هم متکی است به مطالعه؛ باید مطالعه کنند. این‌جور نباشد که نگاه دانشجو صرفا نگاه احساسی [باشد]؛ داده‌های ذهنی شما فقط مسائل روزنامه‌ای نباشد؛ روی مسائل فکر کنید، مطالعه کنید، بحث کنید. خیلی از این حرفهایی که دوستان در اینجا گفتند، حرفهایی است که تکلیف آنها باید در خود جلسات دانشجویی و در بحثهای آزاد دانشجویی معین بشود؛ که من یادداشت کردم، این «کرسی‌های آزاد اندیشی» که ما مطرح کردیم که مستلزم بحثهای آزاد دانشجویی در محیط دانشگاه‌ها است، بسیاری از مسائلی را که در اینجا دوستان مطرح کردند، میتواند تعیین تکلیف کند، روشن کند؛ جهات مثبت و منفی هر مطلبی را در بحثهای دانشجویی باید بتوانند به دست بیاورند.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی / ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

امروز هم هر حرکتی از سوی آمریکایی‌ها و هم‌پیمانانشان و همراهانشان انجام می‌گیرد، برای به زانو درآوردن ملت ایران است؛ برای تحقیر ملت ایران است. البته دچار خطایند؛ دچار اشتباه در تحلیلند؛ این یک واقعیتی است که آمریکایی‌ها در تحلیل حوادث این منطقه و به‌طور خاص تحلیل حوادث کشور عزیز ما دچار خطایند؛ دچار اشتباه‌های راهبردی هستند؛ همین خطاها هم هست که به آنها دارد مرتبا صدمه می‌زند، ضربه می‌زند و ناکامشان میکند؛ خطای محاسباتی دارند. [یک] مسئول آمریکایی (۲) همین چند روز قبل از این می‌گوید که ایرانی‌ها گیر افتاده‌اند؛ ایرانی‌ها در قضایای هسته‌ای، با دست بسته پشت میز مذاکره حاضر میشوند. خب، این خطای محاسباتی است؛ ایرانی‌ها گیر نیفتاده‌اند، حالا شما در بیست و دوم بهمن ان‌شاءالله خواهید دید ملت ایران چه خواهد کرد و چه حضوری خواهد داشت؛ آنوقت معلوم میشود که آیا دست ملت ایران بسته است؟ دست ملت ایران بسته نیست و این را در عمل نشان داده‌است و بعد از این هم نشان خواهد داد؛ مسئولین هم همین‌جور؛ مسئولین کشور هم ان‌شاءالله با ابتکارات خودشان، با شجاعت خودشان نشان خواهند داد که دست ملت ایران بسته نیست. او تصور میکند که ایران را در سه‌کنج گیر انداخته! می‌گوید پشت ایرانی‌ها به دیوار رسیده‌است! نه آقا، اشتباه می‌کنید! شما هستید که دچار مشکلید.

همه‌ی واقعیتهای منطقی ما نشان‌دهنده‌ی این است که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون این منطقه شکست خورده است. آمریکا در سوریه شکست خورد، آمریکا در عراق شکست خورد، آمریکا در لبنان شکست خورد، آمریکا در قزیه فلسطین شکست خورده است، آمریکا در غزه شکست خورده است، آمریکا در تسلط بر مسائل افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملتها مغرور است؛ در خارج از این منطقه هم همین‌طور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سالهای متمادی است شکست پشت سر شکست!

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان / ۱۳۹۴/۰۷/۱۵

مشکل کنونی کشور متأسفانه به‌خاطر وجود آدمهای بعضی بی‌خیال و بعضی سهل‌اندیش [است] که البته معدودند، اقلیتند؛ در مقابل انبوه عظیم جمعیت انقلابی و آگاه و بصیر کشور چیزی نیستند اما فعالند؛ مینویسند، میگویند، تکرار میکنند؛ تکرار میکنند! دشمن هم به اینها کمک میکند. امروز یک فصل مهمی از فعالیت دشمنان جمهوری اسلامی -که البته ما از آنها اطلاع داریم و حواس ما هست که چه کار دارند میکنند- همین است که محاسبات مسئولین را تغییر بدهند و افکار مردم را دست‌کاری بکنند و اینها را در ذهن جوانهای ما [جا بیندازند]؛ چه افکار انقلابی، چه افکار دینی، چه ایده‌هایی که مربوط به مصالح کشور است. آماج اصلی هم جوانها هستند؛ در چنین وضعیتی، جوانهای کشور خیلی باید بیدار باشند. الحمدلله بیدارند؛ هم دانشگاه‌های ما بیدارند، هم نیروهای مسلح ما بیدارند و سازمانهای نظامی ما -هم ارتش، هم سپاه، هم بسیج، هم نیروی انتظامی- بحمدالله پای کارند؛ بنده از این جهت هیچ نگرانی‌ای ندارم. خطاب من به شما بچه‌های انقلاب، جوانهای انقلاب که بحمدالله در یکی از مسائل مهم کشور، یعنی امنیت دریا سهیم و فعال هستید، این مضمون است که اهمیت کار خودتان را امروز بفهمید و بدانید. همان‌طور که در مباحثه همه‌ی ایمان در مقابل کفر قرار گرفت، امروز، همه‌ی ایمان در نظام جمهوری اسلامی در مقابل کفر قرار گرفته است؛ و همان‌طور که معنویت و صفا و اقتدار معنوی پیغمبر اکرم و خانواده‌اش توانست دشمن را از میدان خارج کند، به فضل الهی و به حول‌وفوهی الهی ملت ایران با اقتدار خود و با معنویت خود دشمن را از میدان خارج خواهد کرد.

بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۴/۰۸/۱۳

حادثه‌ای در کشور ما در سال ۱۳۳۲ اتفاق افتاد -حادثه‌ی بیست‌وهشتم مرداد- که یکی از حوادثی است که ملت ایران را با تجربه‌ها آمیخته میکند، مانع از خطا و اشتباه دید او میشود؛ در این حادثه یک تجربه‌ی بزرگ برای ملت ایران به وجود آمد، این تجربه را هرگز نباید فراموش کرد؛ بله، از سال ۳۳ تا حالا شصت سال میگذرد. اولاً در خلال این شصت سال این قبیل حوادث تکرار شده است، ثانیاً حادثه‌ی تاریخی وقتی حامل درس است، گذشت زمان تاثیری ندارد و باید از آن درس گرفت. حادثه از این قرار بود که دولت مصدق که نفت را، منبع ثروت ملی کشور را از چنگ انگلیسی‌ها و از دست انگلیسی‌ها با کمک افرادی که بودند -مرحوم آیت‌الله کاشانی و دیگران- توانست خارج کند، یک اشتباه تاریخی انجام داد و آن تکیه‌ی به آمریکا بود. در مقابل دشمنی انگلیس‌ها، فکر کرد باید یک پشتیبانی در عرصه‌ی بین‌المللی داشته باشد، این پشتیبانی آن روز از نظر او آمریکا بود؛ به آمریکایی‌ها اعتماد کرد؛ امید او به آمریکایی‌ها بود. از این خوش‌بینی و ساده‌اندیشی، آمریکایی‌ها استفاده کردند، [کودتای] بیست‌وهشتم مرداد را به راه انداختند.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

بنده در قیل از انتخابات مسئله‌ی نفوذ را مطرح کردم؛ آقایان! این نفوذ مسئله‌ی مهمی است. نفوذ مسئله‌ی مهمی است بنده هم که این را عرض میکنم نه به خاطر این است که حالا یک احتمالی به ذهن می‌آید که ممکن است نفوذ کنند؛ نه، ما از خیلی چیزها مطلعیم؛ از خیلی حوادثی که دارد در کشور رخ میدهد که غالباً عموم مردم یا حتی خیلی از خواص مطلع نمیشوند ما مطلع میشویم. من از روی اطلاع دارم عرض میکنم که برنامه‌ی نفوذ در کشور یک برنامه‌ی جدی استیکار است، برنامه‌ی جدی آمریکایی‌ها است؛ دارند دنبال میکنند که نفوذ کنند. اشتباه نشود! این نفوذ برای این نیست که از یک جایی کودتا بشود؛ نه، میدانند که در ایران، در جمهوری اسلامی، با ساختی که جمهوری اسلامی دارد کودتا معنی ندارد. یک جاهایی یک‌وقت داخل فلان نیروی مسلح نفوذ میکنند برای اینکه بیایند کودتا کنند، یکی را ببرند، یکی را بیاورند؛ نه، این نفوذ برای کودتا نیست، این نفوذ برای دو منظور دیگر است. یکی از آماجهای این نفوذ مسئولانند؛ آماج دوم مردمند. مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه‌ی هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است که این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود. آنوقت، وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده‌ی مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور همان تصمیمی را بگیرد که او میخواهد. وقتی محاسبه‌ی این حقیر عوض شد، تصمیمی را بگیرم که او میخواهد؛ من همان کاری را که او میخواهد مفت و مجانی انجام میدهم؛ گاهی بدون اینکه خودم بدانم - یعنی اغلب بدون اینکه خودم بدانم- این کار را انجام میدهم. [بنابراین] سعی میکنند محاسبات مسئولین را عوض کنند. پس آماج اول مسئولینند. آماج دوم مردمند. باورهای مردم باید عوض بشود؛ باور به اسلام، باور به انقلاب، باور به اسلام سیاسی، باور به اینکه اسلام غیر از کارهای شخصی و وظایف عمومی هم دارد، حکومت هم دارد، جامعه‌سازی هم دارد، تمدن‌سازی هم دارد؛ باور به نفی اینها [جایگزین شود]. اینها باید از ذهن مردم زوده بشود، عکسش در ذهن مردم جا بگیرد.

[میخواهند] باور به استقلال را عوض کنند. بعضی‌ها البته ناشیگری میکنند؛ می‌بینیم گاهی اوقات در بعضی از مطبوعات، صریحاً استقلال کشور را یک امر قدیمی و کهنه‌شده میدانند و میگویند امروز دیگر استقلال کشورها مطرح نیست. یعنی چه؟ یعنی در نقشه‌ی جغرافیای جهانی یک قدرتی وجود دارد، آن قدرت تصمیم می‌گیرد و همه عمل میکنند -مثل حرارت مرکزی- یک جایی یک چیزی تولید میکند، بقیه مصرف میکنند. این را دارند ترویج میکنند؛ نفوذ یعنی این. البته این کاری است که دارد انجام میگیرد.

بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری / ۱۳۹۴/۱۲/۲۰

یکی از آماجهای این نفوذ مسئولانند؛ آماج دوم مردمند. مسئولان آماج این نفوذند؛ برای چه؟ هدف چیست؟ هدف این است که محاسبات مسئولان را عوض کنند و تغییر بدهند؛ یعنی مسئول جمهوری اسلامی به این نتیجه برسد که با ملاحظه‌ی هزینه و فایده احساس کند که باید این اقدام را بکند، این اقدام را نکند؛ نفوذ برای این است که این نتیجه برسد که فلان رابطه را قطع کند، فلان رابطه را ایجاد کند؛ نفوذ برای این است که این محاسبات در ذهن مسئولین عوض بشود. آنوقت، وقتی نتیجه این بشود که فکر مسئولین و اراده‌ی مسئولین در مشت دشمن قرار بگیرد، دیگر لازم نیست دشمن بیاید دخالت مستقیم بکند؛ نه، مسئول کشور همان تصمیمی را بگیرد که او میخواهد. وقتی محاسبه‌ی این حقیر عوض شد، تصمیمی را بگیرم که او میخواهد؛ من همان کاری را که او میخواهد مفت و مجانی انجام میدهم؛ گاهی بدون اینکه خودم بدانم - یعنی اغلب بدون اینکه خودم بدانم- این کار را انجام میدهم. [بنابراین] سعی میکنند محاسبات مسئولین را عوض کنند. پس آماج اول مسئولینند.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش / ۱۳۹۵/۱۱/۱۹

نیروی هوایی در دوران رژیم طاغوت، درواقع نزدیک‌ترین بخشهای ارتش آن روز به دستگاه طاغوت و به نظام سیاسی وابسته‌ی به آمریکا بود. هیچ‌کدام از بخشهای دیگر ارتش آن روز، به قدر نیروی هوایی مورد اعتماد و اطمینان و امید رژیم طاغوت نبودند. درست از همین بخش، رژیم طاغوت یک ضربه‌ی سهمگین خورد؛ این ضربه‌ی سهمگین که عرض میکنیم، به معنای واقعی کلمه است؛ یعنی ارتش، با آن نظمی که درست کرده بودند، با آن فضایی که برای ارتش به وجود آورده بودند،

ناگهان جمعی از کارکنان همین ارتش - آن هم از آن بخش حساس نیروی هوایی که این‌قدر مورد اعتماد آنها بود- بیایند با امام انقلاب، با رهبر انقلاب بیعت کنند؛ نه مخفیانه، [بلکه] روز روشن، آشکارا و با بلند کردن کارتهای شناسایی روی دستشان! بنده آنجا بودم؛ در خیابان ایران که اینها داشتند می‌آمدند به طرف مدرسه‌ی محل سکونت امام، همین‌طور گروه‌گروه -مثل گروهان‌گروهان- پشت سر هم حرکت میکردند و شعار میدادند و کارتهای شناسایی‌شان را بالای دستشان گرفته بودند؛ خیلی حادثه‌ی عجیبی بود؛ یعنی درست مصداق این آیه‌ی شریفه: فاتاهم الله من حيث لم يحتسبوا؛ از آنجایی که در حساب رژیم طاغوت نمیگنجید، ضربه خوردند. در محاسباتشان همه‌چیز را ممکن بود احتمال بدهند، جز این یکی را؛ و درست همین یکی که دورترین احتمال بود، اتفاق افتاد؛ یعنی نیروی هوایی ارتش آن روز با آن فرمانده وابسته، با آن وابستگی‌های گوناگون -با آن وابستگی‌های فراوان ابزاری و تجهیزاتی و آموزشی و غیره- ناگهان باید و در کنار مردم، با امام و با رهبر انقلاب بیعت بکنند؛ این ضربه‌ی عجیبی بود؛ هیچ انتظارش را نداشتند. ما هم انتظارش را نداشتیم، یعنی انقلابیون و مومنین هم در این طرف صف، چنین انتظاری نداشتند. این درواقع رزق لایحتسب بود؛ و من بقی الله جعل له مخرجا* و برزقه من حيث لا يحتسب؛ گاهی یک کمکی، مددی، نفسی، خونی به انسان میرسد از آنجایی که هیچ خیالش را نمیکرد و هیچ در محاسبات او نمیگنجید. برای این جبهه هم رزق لایحتسب بود. ماها حساب نمیکردیم یعنی اصلا به ذهن هیچ‌کدام ماها -ملت ایران و مبارزین و انقلابیون و امام بزرگوار- چنین محاسبه‌ای نمی‌آمد که ممکن است از درون ارتش کسانی [به صحنه] بیایند. البته بنده قبل از آن، در مشهد با عناصر بسیار معدودی از ارتش ارتباطات نزدیک دوستانه‌ای داشتم و میدانستم ما با همفکرند؛ بعضی‌های دیگر هم در تهران در داخل ارتش بودند که با بعضی از دوستان ارتباطاتی داشتند -اینها بود- اما اینکه یک‌چنین جمعیتی با این حرکت عظیم و نمایان بلند بشوند بیایند، این واقعا رزق لایحتسب بود؛ قابل محاسبه نبود.

خب، همین‌جا یک درس بگیریم: رزق لایحتسب را همیشه در محاسباتان به‌طور اجمال در نظر داشته باشید. درست است که محاسبات عقلانی و مادی، تاثیرگذارند، در این شکی نیست، و لازمند -هیچ آموزشی از آموزشهای اسلام به ما نمیگوید که محاسبات عقلانی نکنید، محاسبات فکری و مادی انجام ندهید؛ نه، حتما باید محاسبه کرد- اما یک جایی هم باز بگذارید برای محاسباتی فراتر از مسائل مادی؛ فراتر از آنچه به عقل انسان میرسد؛ این، رزق لایحتسب است؛ این همان چیزی است که محاسبه نشده است و به ما میرسد؛ این در همه‌ی محاسبات ما وجود دارد؛ در همه‌ی کارهای جبهه‌ی مومن، این را باید رعایت کرد و در نظر داشت و انتظارش را داشت. در دعا میخوانیم: یا من اذا تضایق الامور فتح لها بابا لم تذهب الیه الاوهام؛ وقتی کارها گره میخورد، وقتی به حسب ظاهر بن بست به وجود می‌آید، گاهی خدای متعال از یک گوشه‌ی این بن بست یک راهی باز میکند که -لم تذهب الیه الاوهام- هرگز وهم بشر و اندیشه‌ی انسانی به آن نرسیده بود؛ چنین چیزی وجود دارد. یک نمونه‌اش جنگ تحمیلی است.

جنگ تحمیلی درحالی آغاز شد که ما از لحاظ امکانات، از لحاظ عدد نیرو، از لحاظ سازماندهی و تشکیلات، بسیار بسیار با آن مهاجم -رژیم بعثی صدام- فاصله داشتیم؛ او آماده بود، تجهیزاته‌اش مرتب بود، سازماندهی‌اش محکم بود، لشکرهایش معلوم بودند، نیروی هوایی و نیروی زمینی‌اش هر دو آماده بودند، پدافندش، پشتیبانی‌هایش، مهندسی‌اش، [قسمتهای] گوناگون و همه چیزش آماده بود، [ولی] ما در همه‌ی این مسائل مشکل داشتیم؛ هم در تجهیزات مشکل داشتیم، هم در نیروی انسانی مشکل داشتیم، هم در مهندسی مشکل داشتیم، هم در پشتیبانی مشکل داشتیم، هم در ابزار و تشکیلات مشکل داشتیم. من یک وقتی در همین جلسه‌ی نوزدهم بهمین گفتم که آن روز، فرمانده نیروی هوایی ما فهرست هواپیماهای قابل استفاده را آورد به من داد، گفت حداکثر طی هفده هجده روز، کلیه‌ی پرنده‌های ما پروازشان قطع خواهد شد و تمام خواهد شد، چون قطعه می‌خواهند؛ آخرینش سی ۱۳۰ بود. همان روزهای اول، دوم، سوم، باید اف ۵ و اف ۴ و اف ۱۴ و مانند اینها بپوش بپوش از رده خارج میشدند، مثلا آنچه تا پانزده روز یا بیست روز باقی میماند، هواپیما سی ۱۳۰ بود -اینها هواپیماهای ترابری بود- که ما مثلا یک تعدادی از اینها داشتیم. آن روز این‌طور تصور میکردیم؛ اما «فتح بابا»، نیروی هوایی ما تا آخر جنگ فعال بود، تلاش کرد، کار کرد. «فتح بابا» لم تذهب الیه الاوهام» یعنی این، رزق لایحتسب یعنی این؛ این را در محاسبات همیشه داشته باشید. اگر مومن باشیم، اگر در ذیل عنایت توکل به خدا و امید به خدا عقلانیت را به کار بیندازیم، آنوقت این باب برای ما باز خواهد شد؛ نه اینکه عقلانیت را تعطیل کنیم، نه اینکه محاسبات مادی را کنار بگذاریم؛ نه، همه‌ی اینها لازم است و ما هم همیشه تاکید میکنیم، اما در کنار این، یک جایی بگذارید برای مدد الهی؛ اگر چنانچه اهل توکل به خدا هستیم، اهل امید به خدا هستیم. در این ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱ ساله که از اول انقلاب گذشته، در همه‌ی مسائل انقلاب همین‌طور بوده و ما همیشه مدد الهی را مشاهده کرده‌ایم.

دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات با رهبر انقلاب / ۱۳۹۷/۰۱/۲۹

ایشان در ادامه سخنان خود به جنگ بزرگ و پیچیده جبهه مقابل با نظام جمهوری اسلامی اشاره کردند و افزودند: ما در میانه یک میدان بزرگ جنگ قرار داریم که یک طرف آن، نظام جمهوری اسلامی و طرف دیگر آن، جبهه وسیع و قدرتمندی از دشمنان است. حضرت آیت الله خامنه‌ای، سرویس‌های جاسوسی طرف مقابل را محور اصلی این رویارویی دانستند و گفتند: دستگاه‌های اطلاعاتی جبهه مقابل که برغم همه امکانات خود، تا بحال نتوانسته اند هیچ غلط مهمی انجام دهند. رهبر انقلاب اسلامی خاطر نشان کردند: البته اگر در این جنگ دچار غفلت شویم مغلوب خواهیم شد و اگر دچار ساده اندیشی شویم ضربه خواهیم خورد. حضرت آیت الله خامنه‌ای سپس با اشاره به ابعاد این جنگ پیچیده اطلاعاتی، گفتند: در این جنگ، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی در دستور کار است، از «نفوذ و سرقت اطلاعات» و «تغییر محاسبات تصمیم گیران» و «تغییر باورهای مردم» تا «ایجاد نابسامانی مالی و اقتصادی» و «ایجاد آشفتگی‌های امنیتی».

بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام / ۱۳۹۷/۱۲/۰۷

جناب عمار در جنگ صفین دید یک عده‌ای از افراد لشکر کانه مضطربند، متحیرند، جهت کار و هدف کار را درست تشخیص نمیدهند؛ احساس وظیفه کرد. عمار، زبان گویای امیرالمومنین است؛ آمد در مقابل این جمعیت ایستاد، گفت: این پرچم جبهه‌ی مقابل -پرچم بنی‌امیه- را می‌بینید؟ همین پرچم را ما در جنگ بدر و در جنگ احد در مقابل خودمان داشتیم؛ این همان پرچم است. بنده عرض میکنم امروز هم آن پرچمی که در منطقه‌ی آسیا، در مناطق اروپا و آمریکا، در هر نقطه‌ی از عالم در مقابل انقلاب ایستاده، همان پرچم است؛ همان پرچمی است که در مقابل ابراهیم و موسی و عیسی برافراشته شده بود. آنها نابود شدند و موسی و عیسی و ابراهیم زنده‌اند. علت زنده بودن آنها هم این است که خدای متعال به حضرت موسی فرمود: اننی معکما اسمع واری؛ (۲) ترسید، ترسید، واهمه نکنید، دچار اشتباه در محاسبه نشوید، خدا با شما است.

